



تغییرات اقلیمی در ایران

زنان
قربانیان نخست
حکومت آخوندی،
عامل اصلی

مارس ۲۰۲۲

کمیسیون زنان
شورای ملی مقاومت ایران



فهرست مطالب

۲	تغییرات اقلیمی در ایران
۲۱	زنان، اولین قربانیان برباد رفتن اشتغال روستایی
۲۵	تغییرات اقلیمی و افزایش مهاجرت زنان روستایی
۳۰	تأثیر تغییرات اقلیمی دست ساز رژیم آخوندی بر سلامت زنان
۴۳	رژیم آخوندی نمی خواهد آسیب های ناشی از تغییرات اقلیمی بر زنان را کاهش دهد
۴۷	ناتوانمندی سازی زنان در ایران

مقدمه

تم امسال کمیسیون مقام زن سازمان ملل، «دستیابی به برابری جنسیتی و توانمند سازی همه زنان و دختران در شرایط تغییرات آب و هوا» تعریف شده است. CSW از کشورها می خواهد تا برنامه و سیاست های موثری در جهت کاهش خطرات زیست محیطی و بلایای طبیعی بر روی زندگی زنان ارائه دهند.

اما شرایط و صورت مسئله زنان ایران را نمی توان در نرم های بین المللی درجه بندی کرد. در ایران بیش از ۴۰ سال است که ملایان حکومت می کنند. جریانی مرتجع و توتالیتر که حاکمیت خود را نه با اتکاء بر ارائه خدمت به مردم و توسعه کشور لاقول هم مدار با کشورهای منطقه، بلکه بر دست درازی همه جانبه بر جان و مال مردم ایران و صدور تروریسم به سایر کشورها ادامه می دهند.

صورت مسئله و دلیل اول تغییرات اقلیمی و بلایای طبیعی نیز در ایران، نه گازهای گلخانه ای و نه صنعت، بلکه تخریب و برباد دادن همه جانبه محیط زیست و ایجاد بلایای طبیعی با سیاست های چپاولگرانه و پروژه های تروریستی است.

ایران از سال ۱۹۹۲ عضو کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوایی است اما علیرغم اعلام وضعیت آب و هوایی بحرانی در منطقه، با عدم ارائه اطلاعات، عدم کفایت تحقیقات علمی، سوء مدیریت بر منابع طبیعی، ضعف رابطه بین سلامت انسان و تغییر اقلیم، عدم همکاری خود را نشان داده است.^۱

این رژیم از شرکت در بیست و ششمین کنفرانس جهانی تغییرات اقلیم در اکتبر و نوامبر ۲۰۲۱ در گلاسکو نیز خودداری نمود.



حق طبع و انتشار محفوظ و متعلق به کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران می باشد. چاپ و انتشار این گزارش و یا بخش هایی از آن با اجازه قبلی و یا ذکر منبع مجاز است. از انتشارات کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران - مارس ۲۰۲۲

ISBN: 978-2-35822-010-1

تغییرات اقلیمی در ایران

ایران در شمار ده آلاینده اول دنیا به لحاظ انتشار گازهای گلخانه ایست و سالانه بیش از ۶۰۰ میلیون تن گاز گلخانه ای وارد اتمسفر زمین می‌کند. وزیر کشور رژیم در ژوئیه ۲۰۱۸ هشدار داد که ایران در آستانه بحران اجتماعی جدی، یعنی مهاجرت اقلیمی قرار دارد که می‌تواند در طول پنج سال آینده تغییر چشمگیری در ماهیت اجتماعی ایران ایجاد کند.^۲

به گفته احد وظیفه، رییس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی، روند افزایش دما در ایران فراتر از متوسط جهانی است. در بهار ۱۴۰۰ و زمستان سال ۹۹، دمای متوسط کشور حدود ۲ تا ۳ درجه سلسیوس بیش از میانگین بلند مدت بود و در برخی مناطق مانند شمال غرب کشور، افزایش دما بین ۳ تا ۶ درجه سلسیوس بوده است.^۳

کلان شهرهای ایران به صورت نا متناسبی تحت تأثیر این خطرات هستند و در این خصوص از حمایت نهادی و زیرساختی متناسب با این خطرات برخوردار نیستند. در شهر تهران زیرساخت های بهداشتی برای مقابله با مصدومان و بیماران در هریک از این بحران های اقلیمی وجود ندارد و در مواقع بحران امکان خدمات رسانی در شهر متناسب با جمعیت آن به هیچ وجه وجود ندارد. بحران های مرتبط با تغییر اقلیم همه گیر بوده و تمام شهر و مناطق اطراف آن را در بر می گیرد و به صورت دائمی سرمایه های اجتماعی و اقتصادی شهر را در یک فرایند فرسایشی از بین می برد. نمونه ای از این اثرات را می توان در پدیده گرد و غبار و قطعی برق در خوزستان و اثرات آن در پاییز ۲۰۲۱ جستجو کرد.^۴

اعطای حق ماهیگیری های بی رویه به چین

رژیم آخوندی با اجازه حضور صیادان چینی در آب های جنوب ایران صیادان ایرانی را نابود و اکو سیستم دریایی و تنوع زیستی آب منطقه را با خطرات جدی رو به رو کرده است. روش ماهیگیری چینی ها به شکل کف رویی است که که توازن زندگی دریایی را بهم می زند. هر کشتی چینی حاضر در خلیج فارس قابلیت حمل ۷۲۲تن ماهی را دارند. با ورود کشتی های چینی، بیش از ۵۰درصد صیادان بومی بیکار شده و معیشت خانواده های آنها به مخاطره افتاده است. صید ترال از روش های منسوخ صیادی و غیرقانونی در دنیا محسوب می شود. اما به گفته امیر رستموند، اکولوژیست دریایی «ایران تنها کشوری است که همچنان یا مجوز صید ترال صادر می کند و یا از جرم آن چشم پوشی می کند.» حال آنکه بنا بر اعتراف سعیدی سخنگوی کمیسیون کشاورزی، سازمان حکومتی شیلات به صیادان ایرانی مجوز صید در این آب ها را نمی دهد.^۵



گاز بود. در پی سرریز شدن مواد نفتی، مقادیر قابل توجهی از آن به اراضی کشاورزی همجوار سرازیر گردید.^{۱۰} شهرستان اردل واقع در استان چهارمحال و بختیاری از سال ۵۳ تاکنون هشت بار نشت نفت به مزارع و آب شرب را تجربه کرده است. تازه ترین واقعه شکستگی خط لوله نفت مارون به اصفهان در ۲۳ آذر سال ۹۹ بود. این حادثه منجر به ورود حجم قابل توجهی از نفت به رودخانه سرخون و اراضی اطراف آن به طول ۶ کیلومتر شد. انتشار گاز ناشی از جاری شدن نفت خام همچنین وقوع آتش سوزی در اراضی اطراف شهر را در پی داشت. آلودگی نفتی حدود ۴۶ میلیارد تومان خسارت بر بخش کشاورزی، باغات، دامپروری، شیلات، امور عشایر، آب و فاضلاب، راهداری، آب منطقه ای و محیط زیست منطقه وارد کرد. با این وجود به گفته مردم این منطقه تاکنون اقدامی در خصوص جبران خسارات صورت نگرفته است.^{۱۱}

سوزاندن مازوت

در حال حاضر روزانه حدود ۱۳ میلیون لیتر نفت کوره به نیروگاه های ایران تحویل داده می شود. این عدد در فصول سرد به ۳۵ میلیون لیتر نیز می رسد. کلان شهرهایی از جمله تهران از این بابت بسیار آلوده هستند. حتی در سال شیوع کرونا که تردها کاهش یافت و بسیاری از مشاغل تعطیل شدند آلودگی هوا در ایران به دلیل استفاده از مازوت شدیدتر بوده است.^۶ ناهید خداکرمی، عضو کمیسیون سلامت و محیط زیست شورای شهر تهران اذعان می کند که میزان گوگرد موجود در هوای تهران به دلیل استفاده از مازوت به صورت چشم گیری افزایش می یابد. نیروگاه های رجایی و منتظر القائم از جمله نیروگاه هایی هستند که مازوت می سوزانند.^۷ داریوش گل علیزاده، معاون مرکز ملی هوا و تغییر اقلیم سازمان حفاظت محیط زیست ایران نیز اعلام کرده است که در نیروگاه های مشهد، اهواز، کرمان، ایرانشهر و بیستون کرمانشاه نیز از مازوت استفاده می شود و ۱۱ نیروگاه بخار موجود در ایران مازوت را به صورت تلفیقی با گاز و گازوئیل می سوزانند.^۸ غلظت گوگرد در سوخت مازوت تولیدی ایران حدود ۳.۵ درصد است در حالی که بر اساس قانون سازمان بین المللی دریاوردی، غلظت گوگرد مجاز حتی برای سوخت کشتی ها کمتر از نیم درصد می باشد. نیروگاه های ایران علیرغم استفاده از این نوع مازوت، سیستم تهویه نیز ندارند و کارگران حکومتی هزینه عدم تامین چنین تجهیزاتی را از سلامتی مردم می گیرند. به گفته ناهید خداکرمی ذرات گوگرد موجود در هوا، برای زنان باردار، کودکان، بیماران کلیوی و ریوی و سالمندان به طور خاص مضر است. آلودگی شدید هوا همچنین می تواند زنان را دچار زایمان زودرس کند.^۹

آلودگی نفتی

بیش از نیمی از منابع نفتی جهان متعلق به ایران بوده و این کشور سالانه به طور متوسط ۳۰ میلیون تن محصولات پتروشیمی تولید می کند. اقتصاد برژیم حاکمبیش از نیمی از منابع نفتی جهان متعلق به ایران بوده و این کشور سالانه به طور متوسط ۳۰ میلیون تن محصولات پتروشیمی تولید می کند. اقتصاد برژیم حاکمبه ایران به صورت تک بعدی بر این صنعت متکی است و بدون رعایت استانداردهای سلامتی، قیمت صنایع نفت را از سلامت مردم می گیرد. در آبان ماه ۱۴۰۰، عبدالرسول خالق پناه، رئیس اداره حفاظت محیط زیست دیلم استان بوشهر از ایجاد آلودگی نفتی در ۲ منطقه این شهر تنها در یک هفته خبر داد. این آلودگی ها ناشی از نشتی خطوط فرسوده بهره برداری نفت و

نیروگاه های و اتمی

اغلب مراکز اتمی ایران که در آنها بیش از ۱۰ هزار نفر مشغول به کار هستند در نزدیکی مراکز مسکونی قرار گرفته اند. این فناوری خطرناک که رژیم آخوندی تلاش می کند با تکیه بر آن از دنیا باج بگیرد بیش از هر چیز سلامت مردم ایران را هدف قرار می دهد.

راکتور بوشهر در فاصله ۱۰ کیلومتری این کلانشهر با ۲۵۰ هزار نفر جمعیت قرار دارد. در اصفهان به تنهایی چهار مرکز حساس هسته ای وجود دارد. گازهای اتمی که در نیروگاه های اتمی نظنز و فردو بر روی آنها غنی سازی صورت می گیرد، کشنده تر از گازهای سمی مرکب از کلرین است که در جنگ دوم جهانی به کار می رفت. آبهای آلوده به رادیواکتیو در رودخانه های اطراف معادن رها می شوند و یا در دریاچه هایی ذخیره می شوند که خطر نفوذ آنها به سفره های آب زیرزمینی زیاد است.^{۱۲}

تهویه هوای معادن اورانیوم باعث انتشار آلاینده های رادیواکتیو و گاز رادون در هوا شده و خطر ابتلا به سرطان ریه را در ساکنان مناطق اطراف افزایش می دهد.^{۱۳}

علاوه بر این، استخراج اورانیوم نیاز به مقادیر عظیمی آب شیرین دارد که رژیم آخوندی برای تأمین آن اقدام به احداث سد، چاه های عمیق و کانال کشی های غیر علمی از رودخانه ها می کند که دلیلی است بر خشکی رودخانه ها و تالاب های ایران.

زباله ای که این نیروگاه ها تولید می کنند عامل دیگر تخریب محیط زیست است. به گفته کارشناسان حکومتی این زباله ها به حفره های زیرزمینی منتقل می شوند که ممکن است آب در آنها نفوذ کند. همچنین بدلیل احتمال بالای زلزله و سیل، این مواد می توانند به سطح زمین بیایند و کل محیط را آلوده کنند. «شورای نگهبان مصوبه مجلس درباره پیوستن ایران به کنوانسیون مشترک مدیریت و امنیت پسماندهای هسته ای را تأیید نکرده است.^{۱۴}

بالغ بر ۲۰ تن زباله اتمی روزانه تنها در بادرود نظنز دفن می شود. این چاله ها هم اکنون در جوار روستای سرآسیاب و در فاصله کمی از شهر واقعند و تهدید جدی برای سلامت بومیان ایجاد می کنند.^{۱۵}



آبهای آلوده به رادیواکتیو در رودخانه های اطراف معادن رها می شوند و یا در دریاچه هایی ذخیره می شوند که خطر نفوذ آنها به سفره های آب زیرزمینی زیاد است.

خشکاندن دریاچه های ایران

با نابودی هامون ۱۵ هزار صیاد بیکار شدند و زنانی که از نی های دریاچه به تولید صنایع دستی اشتغال داشتند منبع درآمد خود را از دست داده اند.

دریاچه های ایران اغلب در حال خشک شدن هستند. خزر، بزرگترین دریاچه جهان با ۴۰۰ گونه آبی که در آن زندگی می کنند در حال خشک شدن کامل است.^{۱۶} به گفته داریوش یوسفی کبریا مدیر مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر، «طی ۲۰ سال گذشته ۱۳۰ سانتیمتر از سطح آب دریای خزر کاسته شده است.»^{۱۷} کاهش تراز آب برای ساحل نشینان این دریا تبعات اقتصادی و اجتماعی دارد و ساخت و سازهای گسترده در سواحل خشک شده این خسارات را بسیار سنگین تر می کند. دریاچه ارومیه ششمین دریاچه بزرگ آب شور دنیا نیز با خشکی دست و پنجه نرم می کند. اگر دریاچه ارومیه خشک شود ریزگردها و رسوبات کف دریاچه با نسیمی ملایم تا کیلومترها حرکت کرده و موجب بیماری می شوند. بین ۶ تا ۲۰ میلیون نفر مردم منطقه که در نبود این منبع مهم حیاتی فقیرتر شده اند مجبور به مهاجرت می شوند.^{۱۸}

دریاچه هامون سومین دریاچه بزرگ ایران بوده و نقش اساسی در زندگی مردم سیستان و بلوچستان داشت اکنون کاملاً خشک شده و هیچ آثاری از حیات در آن یافت نمی شود. با نابودی هامون ۱۵ هزار صیاد بیکار شدند و زنانی که از نی های دریاچه به تولید صنایع دستی اشتغال داشتند منبع درآمد خود را از دست داده اند. دامداران با ۱۲۰ هزار رأس گاو مهاجرت کرده و ۸۰۰ روستا تحت تأثیر هجوم شن های روان دریاچه قرار گرفته اند.^{۱۹} همچنین دریاچه بختگان، بزرگترین دریاچه استان فارس به طور کامل خشک شده و به دشت نمک مبدل گردیده است. این دریاچه تمام شرایط برای ایجاد طوفان نمکی در منطقه را دارا شده است. رسانه های حکومتی اذعان می کنند که یکی از علل خشکی بختگان برداشت بی رویه آب در حوزه آب ریز است.^{۲۰}

احداث سه سد درودوند، ملاصدرا و سد سیوند عامل دیگر تشدید کننده بحران خشکی دریاچه های استان فارس می باشد. علاوه بر بختگان دریاچه های ارژن و طشک این استان نیز خشک شده اند. خشکی این دریاچه ها و از بین رفتن پوشش گیاهی سبب شده است که هوای استان فارس شبیه هوای کویر شود.^{۲۱}



عکس بالا- خزر، بزرگترین دریاچه جهان با ۴۰۰ گونه آبی که در آن زندگی می کنند در حال خشک شدن کامل است. طی ۲۰ سال گذشته ۱۳۰ سانتیمتر از سطح آب دریای خزر کاسته شده است. عکس سمت راست - دریاچه ارومیه ششمین دریاچه بزرگ آب شور دنیا نیز با خشکی دست و پنجه نرم می کند.



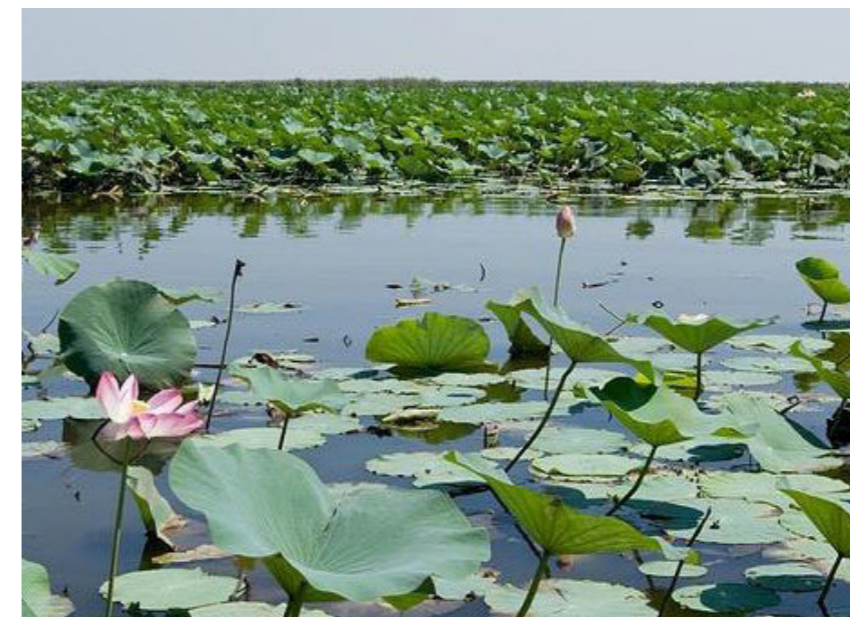
عیسی کلانتری، رییس سازمان محیط زیست در سال ۱۳۹۷ اعتراف کرد که «ما مدیریت منابع آب را بلد نبودیم» «در بالا دست سد ساختیم. پایین دست را به فلاکت کشانیدیم». خشکی این دریاچه ها موجب مهاجرت ۶۰ درصد از روستاییان منطقه شد.^{۲۲}

خشکاندن تالابها و رودخانه ها

سه میلیون هکتار تالاب در ایران وجود دارد که ۱.۵ میلیون هکتار آن به عنوان تالاب بین‌المللی ثبت شده اند. اما بنا بر اعتراف احمدرضا لاهیجان زاده، معاون محیط زیست دریایی و تالاب‌های سازمان حفاظت محیط زیست، برداشت بیش از حد از منابع آبی عمر تالاب‌های ایران را کاهش داده است.^{۲۳} حمید ظهراپی، معاون محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی در سال ۱۳۹۶ میزان خشکی تالاب‌های ایران را ۸۰ درصد برآورد کرد.^{۲۴} محمدعلی یکتانیک، فعال محیط زیست تأیید می‌کند که «خشکسالی و سوءمدیریت منابع آبی دیگر به هیچ تالابی رحم نمی‌کند». وی به این حقیقت اشاره می‌کند که «خشک شدن تالاب‌ها با خود فقر و تنگدستی به ارمغان خواهد آورد و مردم خسته از سفره‌های خالی، به مهاجرت فکر خواهند کرد همان‌طور که در سال‌های اخیر شاهد مهاجرت‌های گسترده به سمت شهرهای بزرگ و گسترش حاشیه‌نشینی بوده‌ایم».^{۲۵} عبدالحسین میرمیران فعال محیط زیست در شمال کشور نیز «دخالت‌های نابجا و دستکاری طبیعت» را «دلیل عمده خشکی تالاب‌های کشور» می‌داند. اکنون حدود ۹۵ درصد از تالاب انزلی در استان گیلان که به بیش از ۵۰ گونه ماهی و موجودات گیاهی و خصوصا به لاله‌های تالابی و نیلوفر های آبی خود معروف است خشک شده است. احسان هادی پور، رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان بندر انزلی نیز اعتراف می‌کند که «به خاطر گستردگی تخریب و تصرفات موجود و همچنین وجود سازه‌های غیرمجاز در حاشیه‌های آن، زمان زیادی برای جبران خسارت‌های وارد شده و احیای مجدد لازم» دارد. عمق تالاب انزلی به دلیل ورود سالانه ۵۸۰ هزار تن رسوبات خانگی و صنعتی از ۹ متر، به کمتر از یک متر کاهش یافته است.^{۲۶}

دخالت‌های نابجا و دستکاری طبیعت دلیل عمده خشکی تالاب‌های کشور می‌باشد.

حدود ۹۵ درصد از تالاب انزلی در استان گیلان که به بیش از ۵۰ گونه ماهی و موجودات گیاهی و خصوصا به لاله‌های تالابی و نیلوفر های آبی خود معروف است خشک شده است.



گاوخونی تالاب معروف دیگری است که در اثر فساد حکومت آخوندی خشک شده است. پراکنده شدن ریزگردهای آلوده به مواد صنعتی و سنگین کف این تالاب می‌تواند تا ۵۰۰ کیلومتر جا به جا شده و بیماری‌های عجیبی ایجاد کند. نادیده گرفتن حقایق گاوخونی و بستن آب رودخانه زاینده، ایجاد صنایع آب بر و یا ویلاسازی دلایل عمده خشکی این تالاب هستند.^{۲۷}

تالاب عظیم هورالعظیم در مرز ایران و عراق که قسمت ایرانی آن ۱۳۰ هزار هکتار بود، گفته حمیدرضا خدابخشی، معاون سازمان آب و برق خوزستان، «اصولا دیگر وجود ندارد» و هم اکنون به یکی از کانون‌های اصلی ریزگرد تبدیل شده است. عملیات نظامی در جریان جنگ ایران و عراق نقش موثری در خشک شدن این تالاب داشته است.^{۲۸}

اما مشکل تنها به جنگ ختم نمی‌شود. اسماعیل کهرم، بوم‌شناس حکومتی سد کرخه را موجب تسریع خشک شدن هورالعظیم دانسته و فاش می‌کند؛ «در واقع متهم شماره یک در نابودی هورالعظیم شرکت نفت و وزارت نفت است» و توضیح می‌دهد که وزارتخانه برای تخفیف گرفتن از پیمانکار چینی در استخراج نفت آب را بر این تالاب بسته اند.^{۲۹} یک عضو مجمع نمایندگان استان خوزستان اعتراف نمود که «مرگ تدریجی هورالعظیم بدلیل ظلم آشکار ناشی از سیاست‌های بخشی نگر آبی، سوء تدابیر» بوده است.^{۳۰}

متهم شماره یک در نابودی هورالعظیم شرکت نفت و وزارت نفت است» و توضیح می‌دهد که وزارتخانه برای تخفیف گرفتن از پیمانکار چینی در استخراج نفت آب را بر این تالاب بسته اند.

رودخانه ها

از رودخانه های بزرگ ایران، کارون، زاینده رود و کر در حال خشک شدن شدن است.

پروژه سد و تونل کوهرننگ ۱، ۲ و ۳ با انتقال مجموعاً ۷۶۵ میلیون متر مکعب آب به اصفهان، پسد و تونل بهشت آباد با ۷۷۰ میلیون متر مکعب به اصفهان، کرمان و یزد، سد و تونل چشمه لنگان با ۱۹۵ میلیون متر مکعب به اصفهان و سد کمال صالح در اراک با ذخیره سازی ۱۰۰ میلیون متر مکعب و سرچشمه های دز با انتقال ۱۸۱ میلیون متر مکعب به قم، اراک، اصفهان، یزد، گوشه ای از سیاست های چپاولگرانه رژیم آخوندی است که به خشک شدن این رودخانه راه برده است.^{۳۱}

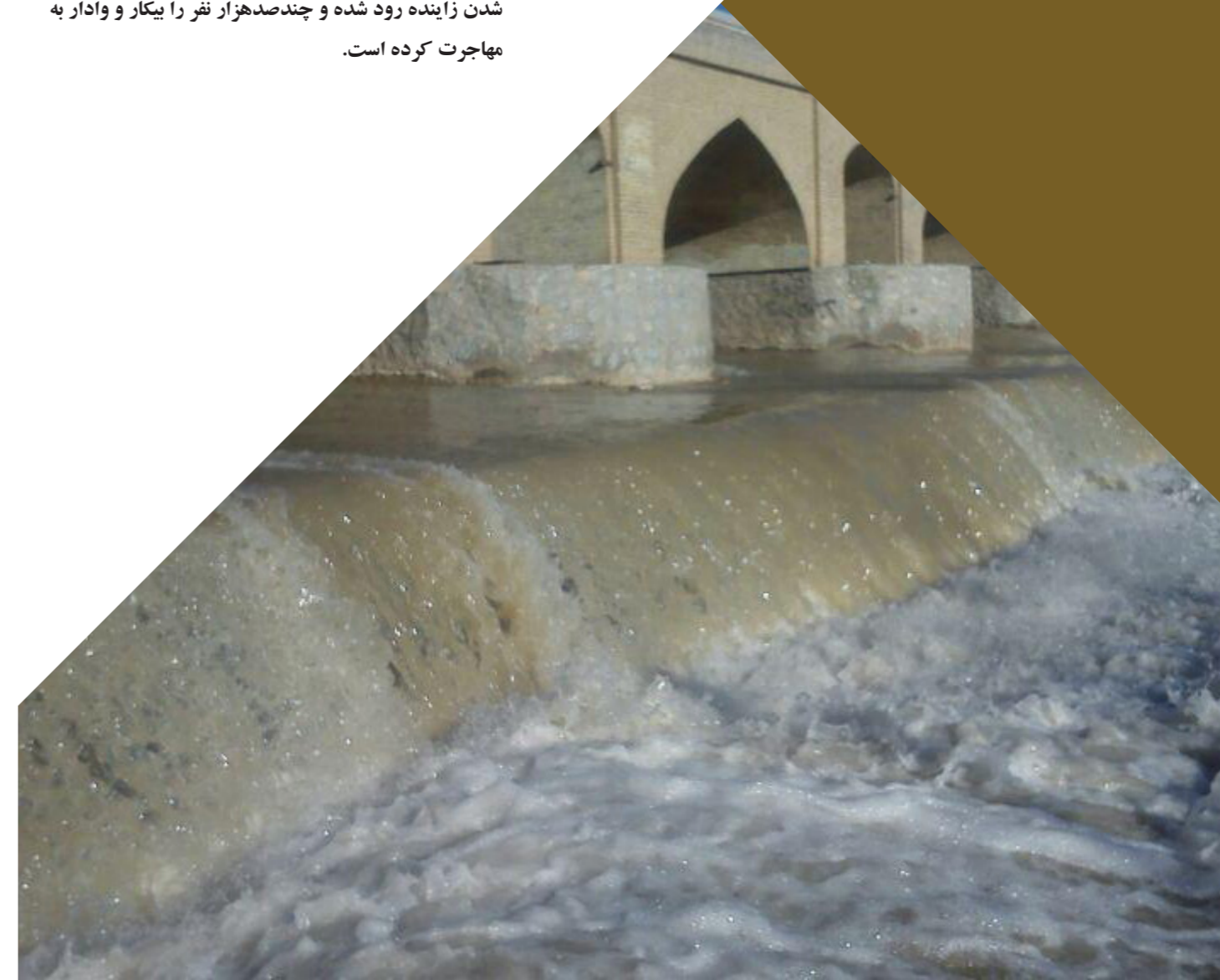
بنا به اعتراف عبدالله ایزدپناه، رئیس مجمع نمایندگان استان، «خوزستان تاوان بی تدبیری و تصمیمات اشتباه را پس می دهد. خوزستان در حال نابودی و از بین رفتن است. امنیت خوزستان به مخاطره افتاده است.»^{۳۲}

زاینده رود یکی از مهم ترین رودخانه های ایران بود که سوء مدیریت و سهم خواهی موجب خشک شدن آن شده اند. تراکم جمعیت، انتقال صنایع عمده از جمله ذوب آهن اصفهان، پالایشگاه نفت، پتروشیمی، صنایع شیمیایی، فولاد مبارکه، شرکت نفت سپاهان بخشی از سیاست های مخرب حکومت آخوندی در این خصوص هستند. برداشت بی رویه آب از این رودخانه و ایجاد چاه های غیر علمی از آب های زیرزمینی بخش دیگری از عملکرد های منجر به این تراژدی می باشند. خشکی زاینده رود چند صد هزار نفر را بیکار و وادار به مهاجرت کرده است.^{۳۳}

رود کر، بزرگترین رودخانه استان فارس و دومین آبراه بزرگ ایران نیز در حال نابودی است. مجتمع پتروشیمی فاضلاب خود را به این رود می ریزد.^{۳۴} آخوند محسنی اژه ای رئیس قوه قضاییه رژیم اعتراف کرد: «بیشتر تجاوزات و تعدیات به حریم این رودخانه ها و اقدام به ساخت وسازهای غیرقانونی از سوی دستگاه های دولتی و حکومتی رخ می دهد.»^{۳۵}



انتقال صنایع عمده، برداشت بی رویه آب از این رودخانه و ایجاد چاه های غیر علمی از آب های زیرزمینی موجب خشک شدن زاینده رود شده و چندصد هزار نفر را بیکار و وادار به مهاجرت کرده است.



برداشت از سفرهای آب زیر زمینی

حجم باورنکردنی برداشت از آب های زیرزمینی بعد دیگری از سیاست های ویرانگر حکومت آخوندی است. به گفته روزنامه حکومتی انتخاب، ایران دیگر آب زیرزمینی ندارد.^{۳۶} سطح رسیدن به آب های زیرزمینی در دشت های مرکزی اگر مثلاً ۴۰ یا ۵۰ متر بود، اکنون به بیش از ۲۵۰ یا ۳۰۰ متر رسیده است. با این توصیف، دشت های ایران حدود ۲۰ سانتیمتر در سال نشست می کنند.^{۳۷} بالاترین رتبه مربوط به فرونشست در دنیا ۳۲ سانتیمتر در نیومکزیکو ثبت شده است اما در ۱۸ سال گذشته ایران دو بار این رکورد را شکسته است. با افزایش بهره برداری از آب های زیرزمینی در سال های اخیر این میزان خیلی بیشتر شده و بیشتر نیز خواهد شد.

ایران دیگر آب زیرزمینی ندارد.

بی آبی

سیاست های مخرب رژیم آخوندی، مردم و زنان ایران را با رنج شدید بی آبی مواجه کرده است. عیسی کلانتری، وزیر اسبق کشاورزی، شرایط بی آبی در ایران را به مراتب بزرگ تر از حمله نظامی خارجی توصیف می کند و هدایت فهمی، معاون مدیرکل دفتر برنامه ریزی کلان آب نیز هشدار می دهد که «بحران آب در ایران اینک به یک بحران اجتماعی تبدیل شده است». خشکسالی تاثیر مستقیمی بر میزان اشتغال و سطح درآمد زنان روستایی بخصوص کشاورزان می گذارد. کاهش تولید مواد غذایی منجر به افزایش قیمت مواد غذایی شده است.^{۳۸}

وقتی آب کشاورزی نیست، معیشت کشاورزان نابود می شوند. امسال در برخی مناطق مثل جنوب استان فارس جو و گندم کاشته شده قابل برداشت نبود و آنرا به گوسفندان دادند.^{۳۹}

بنا به اعتراف رسانه های حکومتی آب رسانی دستکم ۲۰۰ روستای استان هرمزگان ۳۵۰ روستای خراسان رضوی، ۱۲۰ روستای لرستان، ۸۰۰ روستای کرمان و ۱۰٪ روستاهای شهر بندری چابهار با تانکرهای فرسوده و غیر بهداشتی و بصورت نامنظم انجام می شود.^{۴۰}

در نبود لوله کشی مناسب، زنان بخصوص در استان های محروم و خشک خوزستان و سیستان و بلوچستان مجبور می شوند آب مورد نیاز خانواده را پس از ساعت های متمادی در صف های طولانی ایستادن، در مسافت های طولانی به خانه حمل کنند. این مسئله باعث بروز بسیاری از مشکلات جسمی برای آنها می شود.

زنان و دختران سیستان و بلوچستان برای تأمین آب آشامیدنی و سایر مصارف ضروری چاره ای جز مراجعه به هوتک ها و به جان خریدن انواع خطرات هستند. این شکل از تأمین آب در مواردی باعث غرق شدن زنان و دختر بچه ها در هوتک یا شکار آنان توسط تماس می شود.



زنان و دختران سیستان و بلوچستان برای تأمین آب آشامیدنی و سایر مصارف ضروری چاره ای جز مراجعه به هوتک ها و به جان خریدن انواع خطرات هستند. این شکل از تأمین آب در مواردی باعث غرق شدن زنان و دختر بچه ها در هوتک یا شکار آنان توسط تماس می شود. دو عکس دیگر مربوط به زنان در شمال غرب و جنوب غرب ایران است که برای خانواده خود آب حمل می کنند.

تخریب جنگل‌ها

ایران یکی از ۶ کشور تخریب کننده جنگل‌ها است. مسعود منصور، رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری ایران در پیامی خطاب به فائو تصریح نمود که «روند تخریب جنگل‌ها در سطح هشداردهنده ادامه خواهد یافت».^{۴۱}

به گفته محمدعلی زارع چاهوکی، استاد دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران در هر ثانیه ۳۶۰ مترمربع از سطح جنگل‌ها و مراتع ایران تخریب می‌شود. اگر این روند ادامه یابد، تا سال ۱۴۶۰ اثری از جنگل‌های امروزی ایران باقی نمی‌ماند».^{۴۲}

تنها در خرداد ماه سال ۱۳۹۹ آتش سوزی هفت روزه جنگل‌های زاگرس در استان فارس ۱۵ هزار هکتار از بلوط‌های چند صد ساله این منطقه را به خاکستر تبدیل کرد».^{۴۳}

در سال ۲۰۱۰، ۷۷۰ هزار هکتار از جنگل‌های ایران سوخت. در آتش سوزی جنگل‌ها بی عملی کامل مسئولان حکومتی مواجهیم و مردم بومی با دست‌ان خالی به مصاف آتش می‌روند.

اما جنگل زدایی در ایران فقط در سوء مدیریت در مهار آتش خلاصه نمی‌شود. علی بناگر، رئیس انجمن علمی جنگل‌بانی ایران می‌گوید: «ویلاسازی، طرح‌های عمرانی، قاچاق چوب، دفن زباله و "معدن‌های افسارگسیخته" روند تخریب جنگل‌ها را نگران کننده کرده‌اند». وی اذعان کرد: «اصولا سیاست‌گذاری‌های نامناسب در تخریب منابع طبیعی و محیط زیست نقش اصلی را دارند؛ برای مثال برای احداث سد "گلوورد" در بهشهر ۱۵۰ هکتار تخریب شد».^{۴۴}



در پارک ملی کرخه برای ایجاد سیل‌بند قرار است ۱۱ هکتار از درختان این پارک قطع شود. این طرح در مسیر درختان قطع شده ماسه ریخته و با غلتک سفت می‌شود حال آنکه به گفته یک فعال محیط زیست «هیچ اطمینانی وجود ندارد که چنین سیل بندی در برابر سیل تخریب نشده و در نتیجه، جنگل و اراضی کشاورزی زیر خاک دفن نشوند». حتی مجری طرح بنیاد مسکن رژیم نیز تاکید کرده است که «اگر سیل از دیواره ۳ متری بالا بزند بخشی از سیل‌بند را تخریب می‌کند».^{۴۵}

رئیس انجمن علمی جنگل‌بانی طرح نافرجام انتقال آب بین حوضه‌ای از شمال ایران را یکی دیگر از اقدام‌های مخرب دولت عنوان کرد که دلیل نابودی ۲۰ تا ۲۵ هزار درخت و نهال شد».^{۴۶}

ویلاسازی در جنگل‌ها شمال ایران نیز با سرعت نگران کننده ادامه دارد. بیش از ۲۰ درصد اراضی جنگلی و کشاورزی استان گیلان و بیش از ۳۳ درصد مراتع و جنگل‌ها در مازندران به مناطق مسکونی تبدیل شده است».^{۴۷}

بهزاد علیزاده، فعال محیط زیست تصریح می‌کند: «آنچه مشخص است نادیده گرفتن وضعیت اجتماعی و اقتصادی حاشیه نشینان زاگرس و کم توجهی به درآمد آنها و بالابودن نرخ بیکاری ساکنان این اکوسیستم ارزشمند می‌باشد.» «نگاه از بالا به پایین متولیان امر مزید بر علت است».^{۴۸}



از بین رفتن سیل بندها و جاری شدن سیل

بر پایه آمارهای ثبت شده بین المللی، ایران چهارمین کشور در زمینه حوادث سیل است. بیشتر سیل های رخ داده بیش از آنکه منشأ طبیعی داشته باشند، حاصل دخالت های انسانی در چرخه طبیعت هستند.^{۴۹} مسدود کردن رودخانه ها کشور، تخریب جنگل ها و مراتع و سد سازی های غیر اصولی از جمله خرابکاری های حکومت آخوندی است مردم و زنان ایران را مکررا با فاجعه سیل روبرو می کند.

در سیل ویرانگر گلستان که در ۲۰ مرداد ۱۳۸۰ رخ داد بیش از ۵۰۰ تن از مردم جان باخته و مفقود شدند. این سیل رتبه نخست در تلفات انسانی در جهان شد. سپس بیماری هایی همچون وبا به سرعت در میان سیل زدگان شیوع پیدا کرد.

در سیل سال ۹۷ خوزستان بود که موجب آبگرفتگی وسیع روستاها و زیر آب رفتن مزارع کشاورزی شد. «حمیدرضا خدابخشی» کارشناس آب نیروی خوزستان، رسیدگی به

پاورقی ها

1. خبرگزاری آناتولی، ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰
2. بی بی سی فارسی، ۲۰ مهر ۱۴۰۰ - ۱۲ اکتبر ۲۰۲۱
3. سایت سازمان شورای آتلانتیک، ۷ ژوئیه ۲۰۲۱
4. خبرگزاری رسمی ایرنا، ۱۶ تیر ۱۴۰۰
5. ویکی پدیا، آخرین ویرایش: ۱۸ اکتبر ۲۰۲۱
6. رادیو زمانه، ۳۱ شهریور ۱۳۹۹ و سایت حکومتی عصر ایران - ۱۸ تیر ۱۳۹۹
7. خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۲۲ دی ۱۳۹۹، سایت حکومتی ایمننا، ۱۴ دی ۱۳۹۹ و خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۱۱ آذر ۱۴۰۰
8. سایت حکومتی همشهری، ۱۸ دی ۱۳۹۹
9. خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۱۱ آذر ۱۴۰۰
10. سایت حکومتی همشهری، ۱۸ دی ۱۳۹۹
11. خبرگزاری رسمی ایرنا، ۲۶ آبان ۱۴۰۰
12. سایت حکومتی عصر ایران، ۱۸ شهریور ۱۴۰۰
13. رادیو فردا، ۱۱ آذر ۱۳۹۱
14. بی بی سی فارسی، ۲۰ بهمن ۱۳۹۲
15. بی بی سی فارسی، ۲۰ بهمن ۱۳۹۲
16. سایت دویچه وله فارسی، ۱۱ اوت ۲۰۱۹
17. خبرگزاری حکومتی ایمننا، ۳۰ مهر ۱۳۹۸
18. خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۱۹ آذر ۱۳۹۶
19. خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۱۱ مرداد ۱۴۰۰
20. خبرگزاری حکومتی مهر، ۱۶ آبان ۱۴۰۰
21. خبرگزاری حکومتی مهر، ۱۶ آبان ۱۴۰۰
22. رادیو فردا، ۱۰ شهریور ۱۳۸۷
23. بی بی سی فارسی، ۲۱ خرداد ۱۳۹۷
24. سایت حکومتی آتیه، ۱۲ دی ۱۴۰۰
25. ایران اینترنشنال، ۱۱ خرداد ۱۳۹۷
26. خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۱۱ مرداد ۱۴۰۰
27. بی بی سی فارسی، ۲۱ خرداد ۱۳۹۷
28. خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۱۱ مرداد ۱۴۰۰، بی بی سی فارسی، ۲۱ خرداد ۱۳۹۷
29. سایت حکومتی بهار، ۲۶ تیر ۱۴۰۰، بی بی سی فارسی، ۲۱ خرداد ۱۳۹۷
30. خبرگزاری حکومتی رکنا، ۲۸ تیر ۱۴۰۰
31. سایت حکومتی جماران، ۱۳ تیر ۱۴۰۰
32. سایت حکومتی بهار، ۲۶ تیر ۱۴۰۰
33. سایت حکومتی بهار، ۲۶ تیر ۱۴۰۰
34. سایت توریستی کجارو، سایت حکومتی شهرآرا، ۶ آذر ۱۴۰۰، خبرگزاری رسمی ایرنا، ۱۹ مهر ۱۳۹۹
35. سایت حکومتی خبر بان، ۲۷ آبان ۱۳۹۸
36. سایت حکومتی خبربان، ۲۶ آبان ۱۳۹۸
37. سایت حکومتی انتخاب، ۸ تیر ۱۴۰۰
38. خبرگزاری حکومتی میزان، ۲۰ خرداد ۱۳۹۸
39. یورو نیوز، ۲۰ بهمن ۱۳۹۲، سایت حکومتی دنیای اقتصاد، ۲۷ دی ۱۴۰۰
40. سایت حکومتی انتخاب، ۸ تیر ۱۴۰۰
41. خبرگزاری رسمی ایرنا، ۱ مرداد ۱۳۹۸
42. خبرگزاری رسمی ایرنا، ۲۶ خرداد ۱۳۹۹ و سایت حکومتی قدس، ۲۲ مهر ۱۳۹۶
43. سایت حکومتی اقتصاد آنلاین، ۲۰ مهر ۱۳۹۹
44. سایت حکومتی اقتصاد آنلاین، ۲۰ مهر ۱۳۹۹
45. خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۳۰ آذر ۱۴۰۰
46. دویچه وله فارسی، ۱۵ ژانویه ۲۰۲۲
47. سایت حکومتی همشهری، ۱۰ دی ۱۳۹۹
48. دویچه وله فارسی، ۱۵ ژانویه ۲۰۲۲
49. دویچه وله فارسی، ۱۵ ژانویه ۲۰۲۲
50. خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۳۰ آذر ۱۴۰۰
51. رونامه حکومتی اطلاعات، ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۸
52. خبرگزاری رسمی ایرنا، ۱۰ بهمن ۱۳۹۷
53. سایت حکومتی تیترا برتر، ۱۶ آذر ۱۳۹۸

زنان، اولین قربانیان برباد رفتن اشتغال روستایی

که تا صبح روز بعد خانواده را تأمین کند. خبرگزاری حکومتی خبر آنلاین که این داستان را منتشر کرده است از نیمه دوم روز یک زن روستایی صحبت نکرده است.^۱ بسیاری از زنان روستایی ساعت کارشان قبل از طلوع آفتاب شروع می‌شود و آخرین نفری هستند که به رختخواب می‌روند. آنها از سنین زیر ده سالگی مجبور به انجام کارهایی چون پذیرایی از پدر و برادر، بچه داری، آشپزی و رختشویی، دوشیدن شیر گوسفند، تهیه هیزم، حمل آب، تهیه محصولات دامی و صنایع دستی می‌شوند. صرف نظر از نبود دسترسی به امکانات آموزشی، سلطه فرهنگ زن ستیزانه رژیم آخوندی و اولویت داشتن مردان در همه زمینه‌ها، بر فرهنگ سنتی روستاییان سوار شده و به محرومیت دختران روستایی دامن می‌زند. در این میان زنانی که خود سرپرست خانوار محسوب می‌شوند وضعیت بغرنج تری دارند. تنها در استان سیستان و بلوچستان، ۹۳ هزار زن سرپرست خانواده در شرایط وخیم اقتصادی به سر می‌برند. این زنان نه تنها از هیچ حمایت اجتماعی برخوردار نیستند بلکه هرگز تحت آموزش و توانمندسازی برای زندگی بهتر قرار نگرفته‌اند. در واقع زیرساخت‌های آموزشی برای آنها وجود نداشته است چه برسد به آنکه آموزش زندگی در شرایط بحرانی را ببینند.^۲

مدیریت ضد مردمی ملایان بر کشور ایران و منابع طبیعی آن و تغییرات اقلیمی و خشکسالی‌های پی در پی حاصل از آن نه تنها برای نسل‌های بعدی، بلکه همین حالا و سال‌های زیادی است که زنان و کودکان ایران را در تشنگی، فقر، بیکاری، محرومیت، بیماری و انواع معضلات دردناک غرق کرده است.

خشکاندن منابع آب موجب از بین رفتن اشتغال روستایی شده و درآمد خانوارها را از بین برده است. با توجه به اینکه کسب و کار غالب در روستاها کشاورزی و دامپروری به صورت خانوادگی است، در خشکسالی‌های موجود کل خانواده‌ها به خصوص روستاییان آسیب دیده‌اند، اما عمیق‌ترین آسیب‌ها متوجه زنان است. زنان باید بار سخت شدن معیشت کل خانواده را بدوش بکشند و در این میان هیچ فرصت و محیطی برای آموزش و اشتغال آنها باقی نمی‌ماند.

علاوه بر این، با قطع درآمد خانواده، سبب غذایی ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود و بار تهیه غذا در این شرایط روی دوش زنان است. آنها به دلایل عاطفی و فرهنگی ترجیح می‌دهند اندک سهم غذای خود را به بیماران، سالمندان و کودکان بدهند و سوء تغذیه و آثار آن را به جان بخرند. همه این شرایط را باید بر شرایط سخت زنان روستایی افزود که بدون خشکسالی هم به زندگی بردگان شباهت دارد.

الهام، ۱۵ ساله، اهل شهر باغملک در شرق خوزستان یک نمونه از میلیون‌ها زن روستایی ایران است. او دو سال پیش و وقتی سیزده سال بیشتر نداشت طبق قوانین رسمی رژیم حاکم بر ایران به اجبار ازدواج کرد. این ازدواج عملاً او را از درس خواندن بازداشت. روستای آنها در یکی از مناطق ایران است که چندسالی است دچار کم‌آبی هستند. الهام هر روز با تن نحیفش مجبور است ساعت‌ها صبح از خواب بیدار شود و دبه‌ای پلاستیکی را از لوله‌های آب پر کند تا بتواند پیش از ساعت ۱۱ هم غذا بپزد، هم خانه را تمیز کند و هم آنقدر آب ذخیره کند



تاثیر شرایط اقلیمی بر اشتغال و ناتوانمند سازی زنان

تغییرات اقلیمی در ایران از هم اکنون شروع شده است، خصوصاً اگر فقیر، زن، کودک، سالمند، معلول، یا کشاورز باشید. بحران اقلیمی به افزایش فقر زنانه، بیکاری زنان، انواع تبعیض‌ها و خشونت علیه زنان دامن می‌زند. زنان گرچه برخلاف کودکان یا سالمندان توانایی فیزیکی و ذهنی لازم برای شرکت در فعالیت‌های اقتصادی را دارند اما به علت نابرابری‌های تاریخی و نهادینه شده تحت حکومت آخوندی هیچگاه به اندازه مردان مهارت و منابع مالی لازم برای سازگاری با تغییر اقلیم را کسب نکرده‌اند. در ایران از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ فقر زنانه گسترش پیدا کرد. بحران منابع آبی ایران از هم اکنون باعث افزایش نرخ فقر، بیکاری، اعتیاد، آسیب‌های اجتماعی همچون طلاق و اعتیاد، مهاجرت‌های گسترده و... شده است.

شغل های روستایی

محمد یوسف نژاد، رییس اداره محیط زیست گناباد در گفت و گو با خبرنگار ایرنا گفت: «کمبود شدید بارندگی و کمبود منابع آبی بیش از ۸۰ درصد به محیط زیست این شهرستان خسارت وارد کرده و میزان علوفه در مراتع و عرصه های زیست محیطی را حدود ۱۰۰ درصد کاهش داده است». نعمت غفوری، مدیر جهاد کشاورزی گناباد نیز گفت: «خشکسالی و کمبود شدید بارندگی در سال ۱۳۹۹ تاکنون موجب کاهش ۵۰ درصدی میزان محصولات زراعی آبی و افت ۹۰ درصدی محصولات دیم در این شهرستان در مقایسه با مدت مشابه پارسال شده است». وی همچنین از کاهش ۵۰ درصدی تولید عسل در زنبورستان ها خبر داد.^۱ این شرایط و فجیع تر از آن در همه روستاهای ایران به خصوص در سیستان و بلوچستان و خوزستان، محل کار و درآمد اکثر زنان روستایی را از آنها گرفته است. طبیعتاً آنها به دلیل مسئولیت نگهداری از فرزندان و بیماران و ... نداشتن مهارت های لازم، امکان مهاجرت را هم ندارند و اگر با خانواده مهاجرت کنند، تازه آغاز مشکلات زنجیره ای آن هاست.

بحران اقلیمی به افزایش فقر زنانه، بیکاری زنان، انواع تبعیض‌ها و خشونت علیه زنان دامن می‌زند.



عشایر

در خشکسالی آخوند ساخته که اغلب شهرهای ایران را به کام تشنگی کشیده، بسیاری از مناطق عشایرنشین نیز خشک و بی علف شده است. این خشکسالی و کم آبی علاوه بر کاهش تولید علوفه مرتعی موجب ایجاد مشکلاتی برای مردمان و زنان سخت کوش عشایر استان ایلام شده است. زارا رحمانی، یک زن از عشایر استان ایلام می گوید: با استفاده از اسب و الاغ، روزانه مجبور هستیم چند مشک و ظرف بزرگ آب را از آب چشمه ای که بیش از پنج کیلومتر تا محل اسکان ما فاصله دارد تأمین کنیم. ریحان شرفی، یکی دیگر از این زنان افزود: «هر روز دو تا سه مشک را پر از آب می کنیم و اگر الاغ و اسب در دسترس نداشته باشیم با کمک طناب بلندی آنها را به هم می بندیم و به دوش می کشیم. زندگی ما با مشقت و سختی بسیار زیادی مواجه است.»^۲

پاورقی ها

۱. سایت حکومتی خبر آنلاین، ۱۲ تیر ۱۴۰۰
۲. خبرگزاری رسمی ایلنا، ۱۱ دی ۱۴۰۰، سایت حکومتی باشگاه خبرنگاران جوان، ۲۹ خرداد ۱۳۹۶
۳. خبرگزاری رسمی ایرنا، ۳۱ فروردین ۱۴۰۰
۴. خبرگزاری رسمی ایرنا، ۱ خرداد ۱۴۰۰

تغییرات اقلیمی و افزایش مهاجرت زنان روستایی

سیاست‌های ضد میهنی و ضد مردمی رژیم آخوندی باعث بی‌آبی شدید در ۳۰ استان از ۳۱ استان کشور شده است. خشکسالی باعث انهدام شغلی و مختل کردن جریان زندگی زنان روستایی و نیز منجر به مهاجرت روزافزون آنها به حاشیه شهرها شده است.

بسیاری از خانوارهای روستایی در ایران از لحاظ اقتصادی شدیداً به کشاورزی وابسته بوده و پیامدهای ورشکستگی آبی یکی از علل اصلی مهاجرت آنها به خصوص در استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان و خوزستان است.

بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران تنها حدود ۲۲۲ هزار نفر از روستاییان در فاصله پانز سال پیش تا پانز سال ۱۴۰۰ از بازار کار خارج شدند.^۱

این مهاجران هم در مبدأ و هم در مقصد با نابسامانی‌های متعدد ناشی از فشار بر منابع و امکانات محدود جوامع شهری همچون بیکاری، کم‌کاری، کمبود فضای زیستی و آموزشی، تخلیه روستاها، آلودگی هوا و محیط زیست، سالخورده‌گی و زنانه شدن نیروی کار کشاورزی و... مواجهند.

دلیل اصلی تشدید مشکلات زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی در ایران البته سیاست‌های غلط و ویرانگر حکومت آخوندی است. اما نه تنها تلاشی برای جلوگیری از تأثیرات سوء تغییرات اقلیمی بر زندگی مردم صورت نمی‌گیرد بلکه اعتراضات مسالمت آمیز آنها نیز با خشونت بی‌رحمانه پاسخ داده می‌شود. عطش و بی‌آبی در سال جاری به اعتراضات گسترده مردم در کلان‌شهرهای ایران از جمله در خوزستان و اصفهان منجر شد. در تیرماه ۱۴۰۰ مردم در شهرهای خوزستان به مدت ۱۴ روز در اعتراض به بی‌آبی به خیابانها آمدند. اما این اعتراضات برحق با سرکوب خونین و گلوله پاسخ داده شد. دست کم ۱۳ نفر با شلیک مستقیم گلوله نیروهای سرکوبگر جان باختند.

این اعتراضات گسترده در آذرماه ۱۴۰۰، در اصفهان شکل گرفت. مردم و کشاورزان اصفهانی در اعتراض به خشکی زاینده رود در بستر آن دست به تحصن زدند. اما پاسخ آخوندها بازهم سرکوب بی‌رحمانه بود.

رژیم جنایتکار و سرکوبگر آخوندی به جای برداشتن کوچکترین قدمی برای حل مسئله کشاورزان و مردم اصفهان، چادرهای معترضین را به آتش کشید، اینترنت را قطع کرد، راهها را مسدود ساخت و یگانهای سرکوبگرش به چشم و بدن معترضین، گلوله‌های ساچمه‌ای و جنگی شلیک کردند. تصاویر بسیاری از این جنایات در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و کاربران در همان روزها از افزایش قابل توجه آمار جراحی‌های پارگی چشم در برخی بیمارستانهای اصفهان خبر دادند. دست کم یکی از کسانی که چشمش هدف گلوله‌های ساچمه‌ای قرار گرفت زن بود.



تغییرات اقلیمی و افزایش مهاجرت زنان روستایی مرکز آمار ایران

حدود ۲۲۲ هزار نفر از روستاییان

در فاصله پانز سال
تا پانز سال ۱۴۰۰

از بازار کار خارج شدند.

آنقدر مهاجرت صورت گرفته و برنامه
حمایت از روستایی اجرا نشده که الان از
روستاها چیزی باقی نمانده است.



روند مهاجرت به شهرها، چالشی بزرگ و یک بحران اجتماعی جدی در ایران

ادامه روند مهاجرت، جامعه‌ی ۲۰ میلیونی روستایی ایران را در آینده‌ای نزدیک با چالشی بزرگ روبه‌رو خواهد کرد. وزیر کشور رژیم در ژوئیه ۲۰۱۸ هشدار داد که ایران در آستانه یک بحران اجتماعی جدی ناشی از مهاجرت اقلیمی است که می‌تواند تا سال ۲۰۲۳ تغییری شگرف در ماهیت اجتماعی کشور ایجاد کند.

اسدالله تیموری رئیس دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی ساری در برنامه نبض کشاورزی تلویزیون رژیم به نقش حکومت در به نابودی کشاندن روستاها اعتراف کرد و گفت: «آنقدر مهاجرت صورت گرفته و برنامه حمایت از روستایی اجرا نشده که الان از روستاها چیزی باقی نمانده است. همه نیروهای مولد و اصلی که سرمایه‌های اصلی بودند دیگر در روستا نیستند. ۵۰ سال مهاجرت را تحریک کردیم و به شغل و مسن شدن روستاها توجه نکردیم و کاهش جمعیت روستاها را ندیدیم، به کمبود خدمات و تسهیلات زیربنایی اهمیت ندادیم و به فکر کسب و کار در روستا نبودیم و روستاها را به زوال کشاندیم.»^۲

حجت‌الله ورمزیاری رئیس گروه توسعه کشاورزی مرکز پژوهش‌های مجلس رژیم در همین گفتگوی تلویزیونی به قوانین ضدروستایی حکومت اشاره کرد و گفت: «مهاجرت از روستاها به شهر معضل بزرگی است. بسیاری از قوانین وضع شده در کشور به ضرر روستا است و نیازمند اصلاح است.»^۳ عبدالمجید شیخی استاد دانشگاه نیز با اشاره به سیاستهای غلط حکومت آخوندی گفت: «دولت، کشاورز را در تنگنا قرار داده است. کشاورز در محاصره قرار می‌گیرد و قدرت مانور ندارد بنابراین برای گذران زندگی اقدام به مهاجرت به شهرها می‌کند.»^۴

نابسامانیهای متعدد ناشی از فشار بر منابع و امکانات محدود جوامع شهری:

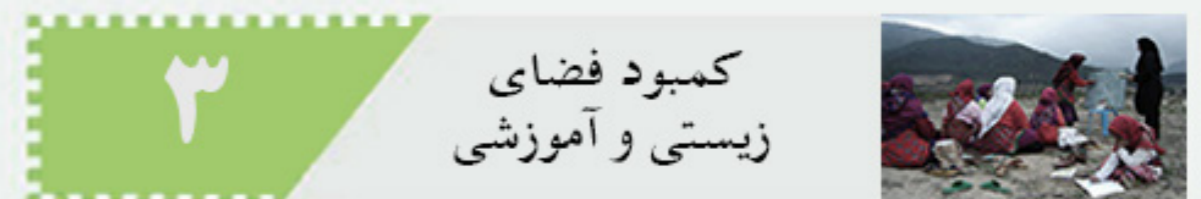


بیکاری



کم کاری

۲



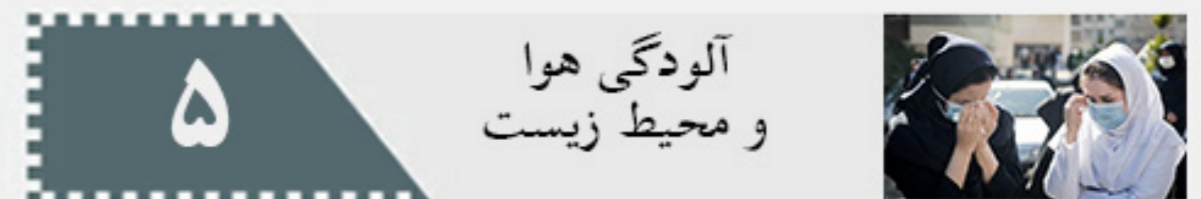
کمبود فضای
زیستی و آموزشی

۳



تخلیه روستاها

۴



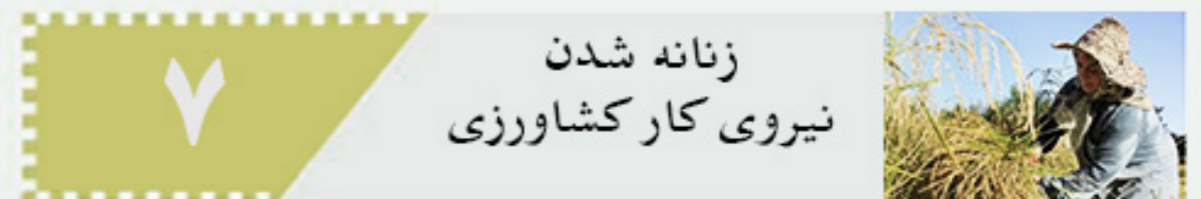
آلودگی هوا
و محیط زیست

۵



سالمخوردگی

۶



زنانه شدن
نیروی کار کشاورزی

۷

زنان روستایی، مظلوم ترین و ستم دیده ترین ستم دیدگان

در سالهای اخیر تغییرات اقلیمی و خشکسالی موجب مهاجرت‌های غیرمترعارف و پرخطر شده و روستاییان در حاشیه شهرهای بزرگ ساکن شدند. زنان روستایی در حاشیه شهرها به کارگران بی سواد و کم سواد می‌توانند شغل پیدا کنند افزوده می‌شوند. برخی از آنان در مشاغل خدماتی مشغول شده و با شغل‌هایی چون کار در منازل استثمار می‌شوند و برخی دیگر درگیر باندهای تکدی‌گری و باندهای اعتیاد و فروش مواد مخدر و فساد می‌گردند. هیچگونه حمایت اجتماعی برای این زنان وجود ندارد.

یک جمعیت‌شناس ایرانی در مورد زنان روستایی مهاجر می‌گوید: «این جمعیت در شهر مقصد حاشیه نشین می‌شود و در ادامه به انواع آسیب‌های اجتماعی که هم خود و هم جامعه را دچار چالش می‌کنند مبتلا می‌شوند. مردم شهرهای ایران بدون حاشیه نشین‌ها هم از فقر و بیکاری شدید و نبود مسکن رنج می‌برند و از امکانات شهری مناسب محرومند. به این وضعیت نبود برنامه‌ریزی و فرهنگ سازی توسط دولت در شهرهای مبدأ را نیز اضافه کنید آنگاه نتیجه بگیرید که تضاد منافع چه چالش‌های جدیدی را ایجاد می‌کند. مهاجرت بدون برنامه، کیفیت زندگی مردم شهرهای مبدأ را نیز پایین می‌آورد.»^۵

در این شرایط، سرنوشت بسیاری از مهاجران روستایی به اعتیاد، کارتن‌خوابی، گورخوابی، فروش اعضاء بدن و حتی فروش نوزاد منتهی می‌شود.

پاورقی‌ها

1. وبسایت حکومتی اقتصاد ایران، ۲۲ دی ۱۴۰۰
2. برنامه نبض کشاورزی در تلویزیون رژیم، ۱۴ دی ۱۴۰۰
3. وبسایت حکومتی ایران، ۱۵ دی ۱۴۰۰
4. وبسایت حکومتی ایران، ۱۵ دی ۱۴۰۰
5. سایت حکومتی شهرآرا نیوز، ۱۹ شهریور ۱۳۹۹

مشکلات زنان پس از مهاجرت به شهرها:



تاثیر تغییرات اقلیمی

دست ساز رژیم آخوندی بر سلامت زنان

همانگونه که در مقدمه جزوه شاهد بودیم، در ایران بلایای طبیعی و تغییرات اقلیمی نه یک امر طبیعی و برآیند تغییرات جوی یا «گازهای گلخانه ای» بلکه محصول سیاست های ضد مردمی رژیم و سپاه پاسداران آن است. چنین دیکتاتوری زن ستیزی نه تنها هیچ سیاست ملی و مردمی برای کاهش آسیب هایی که در برآیند تغییرات اقلیمی بر سر مردم می آید ندارد، بلکه با سیاست های ضدانسانی خود بر آنها می افزاید. همه اقدامات رژیم نامشروع حاکم بر ایران در راستای تمدید حکومت نامشروع خود و گسترش سرکوب و تروریسم می باشد. همین سیاست ها مسبب اصلی بسیاری از فجایع طبیعی و آسیب های هنگفتی است که به محیط زیست ایران وارد شده است. در همین راستا هم عدم پشتیبانی دولت و یا نهادهای دولتی از زنان در مناطق محروم یا حاشیه های شهرها و فقدان طرح های واقعی و مؤثر برای توانمندسازی پایدار زنان یا حمایت های دولتی از زنان آسیب پذیر، آسیب های فراوانی را در شرایط تغییرات اقلیمی یا در مصائب طبیعی متوجه زنان ایران کرده است. پاسخ حکومت آخوندی حتی در برابر اعتراضات به حق و مسالمت آمیز، تنها سرکوب زنان یا دیگر وابستگان آنها (از جمله همسر یا فرزندان شان) می باشد. سوءمدیریت رژیم آخوندی بر محیط زیست و تغییرات اقلیمی حاصل از آن مستقیماً از جان و سلامت مردم و به خصوص زنان و کودکان ایران قیمت می گیرد. ایران در حال حاضر با بحران هایی مواجه است که خطرناک ترین آن ها بحران آب است.





بحران آب در ایران چگونه به وجود آمد؟

آب هم مثل نفت موضوع غارت کلان آخوندها و سپاه پاسداران است. در پی درهم شکستن سیاست جنگی ملایان و آتش بس در جنگ ۸ساله با عراق، رژیم ایران سیاست کسب سلاح اتمی و صدور بنیادگرایی، تروریسم و جنگ افروزی را برای حفظ نظام خود در پیش گرفت. به این منظور آب در زمره مهمترین منابع غارت قرار گرفت. اول به دلیل نیاز شدید صنایع نظامی و اتمی به آب و دوم به دلیل نیاز آخوندها به پول برای تأمین منابع ارزی جهت راه اندازی لشکر مزدوران و شبه نظامیان نیابتی و تسلیح آنها. چرا که نفت در بالاترین حد ممکن پاسخگوی تأمین این نیازها نبود. اما غارت بی سابقه آب توسط رژیم ملایان به طور عمده از سه طریق صورت می گیرد:

الف - انتقال آب با کانال کشی های بزرگ به مناطق دوردست، از جمله عراق، در راستای منافع نظامی و مالی توسط دستگاه های وابسته به سپاه پاسداران

ب - سدسازی بی رویه در سراسر ایران برای جمع آوری تمام آب ها در راستای مصارف مورد نظر سپاه پاسداران

ج - گسترش بی رویه چاه های عمیق و خالی کردن بخش عمده سفره های آب زیرزمینی در راستای اهداف نظامی و مالی
روزنامه اعتماد در بهمن ۹۸ نوشت دو وزارت خانه نیرو و جهاد کشاورزی تاکنون ۶۴۷ سد ساخته اند و ۱۴۶ سد در دست ساختن دارند. دریاچه نمک تهران با ۶۰سد، دریاچه ارومیه با ۵۶سد، تالاب انزلی، دریاچه بختگان، تالاب جازمویان، تالاب گاوخونی، تالاب هور و ... تا حد خشک شدن پیش رفته و رخداد سیل ها چندبرابر شده است.

بر اساس آمارهای رسمی که از جمله در روزنامه جهان صنعت نوشته شده شمار سدهای ساخته شده تا سال ۵۷ و قبل از حکومت آخوندها به حدود ۳۰سد می رسید اما این رقم در سال ۱۴۰۰ به ۱۳۳۰سد افزایش یافته که در مراحل مختلف بهره برداری و اجرایی قرار دارند. مطابق گزارش ها در حوضه آبریز دریاچه ارومیه بیش از ۴۰سد ساخته شده است. این در حالی است که ۵۵میلیارد مترمکعب از حبابه دریاچه ارومیه از طریق رودخانه های دائمی و فصلی تأمین می شود که روی تمامی آنها این سدها ساخته شده و از رسیدن

آب به این دریاچه جلوگیری می کند. تنها بر روی رودخانه کارون ۲۴سد زده شده است که باعث نزدیک به خشک شدن این رودخانه شده است. نتیجه این وضعیت خشک شدن ۳میلیون نخل در منطقه شادگان شده است.
توضیحات بیشتر حول این موضوع در حوصله این گزارش نمی گنجد و این مختصر تنها برای روشن ساختن چگونگی تأثیرگذاری مخرب سیاست های رژیم و سپاه پاسداران بر محیط زیست ایران در تشدید تأثیرات تغییرات اقلیمی به طور خاص بر روی زنان و دختران می باشد.

سدسازی بی رویه در سراسر ایران منجر به خشک شدن تالاب ها از جمله تالاب گاوخونی (تصویر فوق) شده است.

تأثیرات بحران آب بر سلامت زنان

بنا به گزارش سایت حکومتی «دیدار» به نقل از یک کارشناس اجتماعی «خشکسالی و بحران‌های محیط زیستی، قطعی مکرر آب و عدم برخورداری از آب سالم، زنان را که همواره از اقشار تحت ستم بوده‌اند بیشتر تحت تأثیر قرار می‌دهد.»^۱

امروز سیستان و بلوچستان در کنار دریا و اقیانوس و خوزستان احاطه شده در میان پرآب‌ترین رودخانه‌های جهان و بسیاری دیگر از مناطق ایران، تشنه لب مانده‌اند. نبود آب زیان‌های مالی و جانی را افزایش می‌دهد. زنان به ویژه به دلیل مسئولیت‌هایی که جامعه بر عهده آنان گذاشته و باید پخت و پز، نظافت و مسائل بهداشتی خانواده را نیز تأمین کنند با مشکلات مختلفی مواجه می‌شوند. با بالا رفتن دما در ایران، مرگ قلبی و مشکلات عروقی و تنفسی افزایش یافته است. تغییرات اقلیمی و گرمای هوا همچنین بر شمار موارد ابتلا به دیابت بارداری می‌افزاید.^۲

بی‌آبی تمامی ابعاد سلامت جسمی و روحی زنان را در کنار نبود فرصت‌های مختلف رشد و ترقی شخصی از آنها می‌گیرد.

بی‌آبی، بهداشت پایین و انواع بیماری‌ها

زنان نیازهای ویژه‌ای دارند که در دوران بارداری یا قبل از آن برجسته می‌شود. زنان و دختران فقیر بسیاری از مناطق ایران حتی در شرایط عادی امکان تهیه مواد مورد نیاز بهداشتی را نداشته و به انواع بیماری‌ها و عفونت‌ها دچار می‌شوند که بحران بی‌آبی به این مشکل بسا افزوده است. باید توجه داشت که مسائل خاص زنان در فرهنگ سنتی ایران تابو محسوب شده و آنها حتی جایی برای بیان اینگونه مشکلات خود ندارند.

یک متخصص بیماری‌های عفونی و داخلی می‌گوید: «افرادی که در مدت حضورم در سیستان و بلوچستان معاینه کردم با عفونت‌های کلیه دست‌وپنجه نرم می‌کنند. هر زخم کوچکی روی بدن این افراد به دلیل آلودگی‌هایی که در معرض آن هستند می‌تواند به منشأ عفونت تبدیل شود. عفونت در تمام اعضای بدن مردم مشاهده می‌شود.»^۳



بسیاری از روستاهای ایران و حاشیه شهرها نه تنها از داشتن مرکز پزشکی محروم هستند بلکه نبود جاده آسفالت و عدم دسترسی به دیگر روستاها و شهرها باعث می‌شود که بیماران و زنان باردار فکر مراجعه به پزشک را از سرشان بیرون کنند.

بسیاری از روستاهای ایران و حاشیه شهرها نه تنها از داشتن مرکز پزشکی محروم هستند بلکه نبود جاده آسفالت و عدم دسترسی به دیگر روستاها و شهرها باعث می‌شود که بیماران و زنان باردار فکر مراجعه به پزشک را از سرشان بیرون کنند.

افرادی هستند که تا به حال هرگز به پزشک مراجعه نکرده‌اند؛ چون هزینه رفت و آمد به مرکز درمانی را ندارند. از طرفی نداشتن شناسنامه و بیمه‌های درمانی باعث شده تا در پرداخت هزینه‌های درمان هم ناتوان باشند.^۴ بیماری‌های پوستی، مشکلات داخلی، معلولیت‌های مادرزادی، مشکلات جسمی حرکتی و ذهنی و... همگی ارمغان شوم خشکسالی و فقر است که زنان یا مستقیماً به آن دچار می‌شوند و یا رنج نگهداری از عضو مبتلا شده خانواده خود را متحمل شوند.

خشکسالی، آلودگی هوا و بیماری‌های تنفسی

وجود ریزگردها در یک دهه اخیر بیش از ۲۰ استان ایران را درگیر خود کرده است. به این ترتیب سلامتی میلیون‌ها ایرانی با بیماری‌هایی همچون بیماری‌های حاد تنفسی، قلبی و عروقی در خطر قرار گرفته است.^۵

بسیاری از شهرهای ایران دچار مشکل آلودگی هوا هستند. در این میان اهواز، مرکز استان خوزستان در جنوب غرب ایران، کمتر روزی است که هوای سالم را به خود ببیند و دغدغه عوارض این آلودگی را نداشته باشد.

علاوه بر مشکلات تنفسی، قرار گرفتن زنان باردار در معرض آلاینده‌های زیست محیطی می‌تواند باعث تولد نوزادان زودرس و یا با وزن کم و یا با برخی نواقص شود. این نوزادان اغلب شان در مراحل ابتدایی می‌میرند. آلودگی هوا در هشت هفته اول بارداری احتمال بروز نارسایی قلبی و ناهنجاری اندامی را در جنین افزایش می‌دهد.^۶

آلودگی هوا همچنین تا ۳۵ درصد احتمال بروز سکته مغزی را افزایش می‌دهد. سالانه حدود ۲۲ هزار نفر در استان خوزستان به دلیل مشکلات ناشی از آلودگی هوا و ریزگردها به بیمارستان و مراکز درمانی مراجعه می‌کنند.^۷

کولبری آب آلوده و انواع خطرات آن

کولبری آب و استفاده از آب آلوده زمینه دیگری است که در شرایط خشکسالی، زنان را با انواع ضایعات و مشکلات جسمی مواجه می‌کند. از آنجا که به صورت سنتی و تحت فرهنگ آخوندی، مردان رئیس خانواده و زنان مسئول امور خانه و رسیدگی به اعضاء خانواده می‌باشند، بنا بر یک قانون نانوشته، تأمین آب خانه‌هایی که از آب لوله کشی محرومند، بر عهده زنان می‌باشد.

زنان و دختران روستایی باید برای تأمین آب به چاه، هوتک یا به تانکر آبرسانی مراجعه کنند این آبها علاوه بر آلوده بودن و اینکه خود منشأ بسیاری بیماری‌ها هستند، خطرات متعددی برای زنان به دنبال دارد.

بیماری‌های انگلی و گوارشی پیامد مهم استفاده مردم روستا از آب آلوده است؛ بیماری‌هایی که کودکان و نوزادان زیادی در استان سیستان و بلوچستان را درگیر خود می‌کند.^۸

زنان و دختران باید ظرف‌های سنگین حاوی آب را گاهی تا کیلومترها بر پشت یا روی سر خود حمل کنند. حمل آب و پیاده روی‌های طولانی



آسیبهای جسمی زیادی برای آنان به همراه دارد. جسم زنان اساساً تحمل چنین بار سنگینی را ندارد آن هم برای روزها و سال‌های طولانی و در انواع شرایط جوی. هیچ کس به سن، جثه و وضعیت جسمی این زنان مظلوم نگاه نمی‌کند. زنان محروم سیستان و بلوچستان علاوه بر همه این خطرات باید خطرات خاص مراجعه به هوتک‌ها را هم به جان بخرند چرا که بسیاری از روستاهای این استان، منبع آبی جز چاله‌های آب جمع شده باران که همزمان محل تغذیه انسان‌ها و انواع حیوانات هستند ندارند. هوتک‌ها بعضاً بسیار عمیق هستند. هر ساله نمونه‌های متعددی از غرق شدن زنان و کودکان این استان در هوتک‌ها و یا طعمه شدنشان توسط تمساح‌های گانده توسط رسانه‌های حکومتی منتشر می‌شود.

بی‌آبی و گسترش کرونا

در بحران بی‌آبی، بیماران مبتلا به کرونا دچار مشکلات مضاعف شده‌اند. بحران بی‌آبی همچنین امکان ابتلای افراد به کرونا را افزایش داده است، صف‌های طولانی و فشرده آب، خود محلی برای انتشار بیشتر ویروس در بین زنان شده است.^۹

بی‌آبی، گسترش دهنده آسیب‌های اجتماعی

سیاری از روستاییان، به ویژه کودکان و زنان در روستاهای بی‌آب از دردهای جسمی شدید رنج می‌برند. بیمه‌های روستایی چندان اعتبار و قدرتی برای حمایت از این مردم ندارند که تهیه دارو و درمان را برای آنان عملاً غیرممکن می‌کند. پژوهش میدانی نشان می‌دهد که افرادی برای تسکین دردهای خود و خانواده خود به مصرف تریاک روی می‌آورند.

دردهایی مانند دندان درد برای روستاییان معضلی جدی است و تعداد زیادی از آن رنج می‌برند. هزینه‌های بسیار بالای پزشکی و دندانپزشکی مردم را به استفاده طولانی مدت از مسکن‌ها و او می‌دارد که آسیب‌های خاص خود را داراست.^{۱۰}

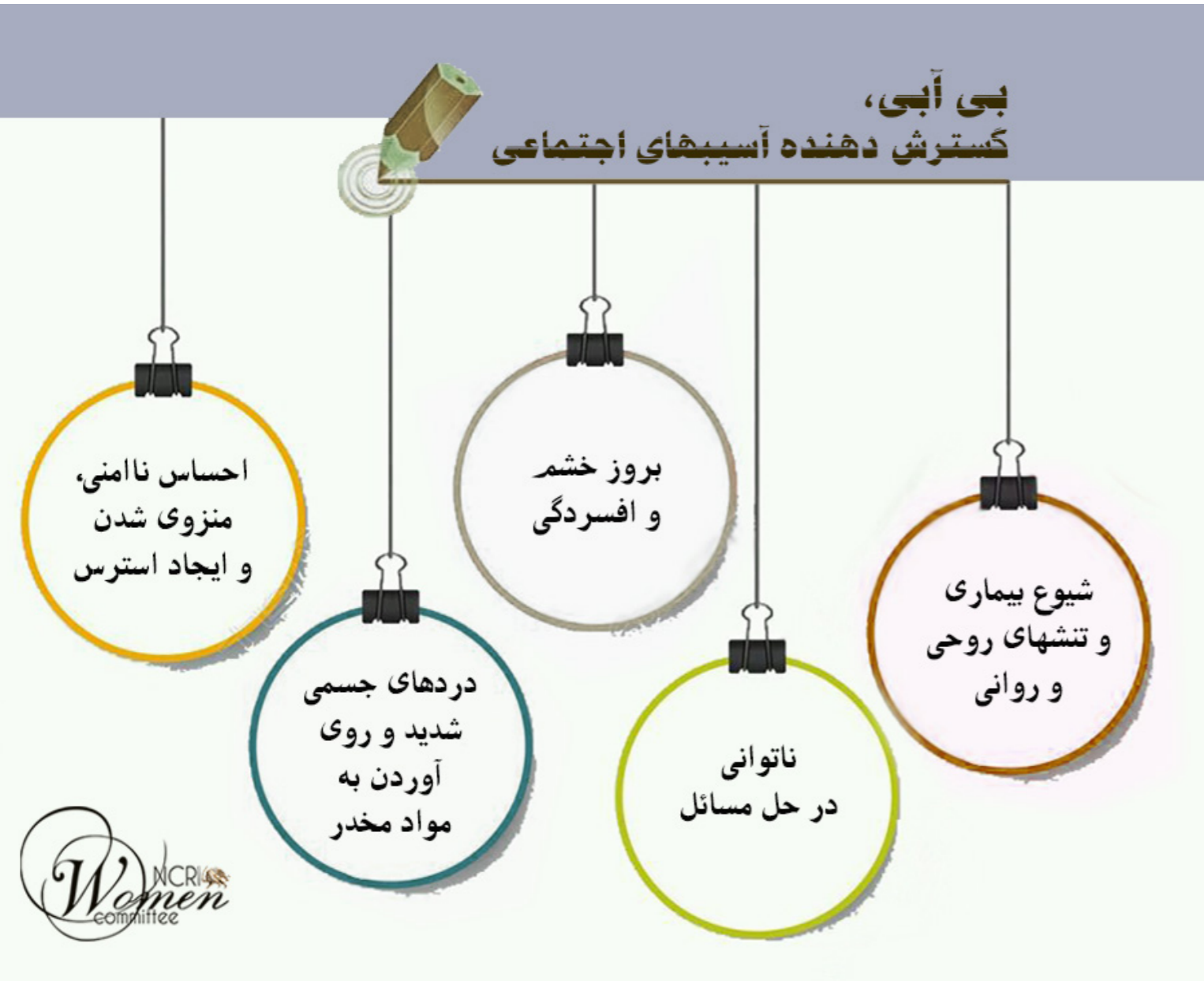
بیماری‌های روانی ناشی از بی‌آبی نیز مسیر دیگری است که به آسیب‌های اجتماعی منجر می‌شود. دیدن سرمایه‌های از دست رفته و ناتوانی در حل مسائل، موجب بروز خشم و افسردگی می‌شود. تنش‌های روانی در مناطقی از ایران که به خشکسالی مبتلا هستند به شدت شایع است. شوربختانه علاوه بر افزایش خشونت علیه زنان و کودکان که هدف چنین خشم‌هایی قرار می‌گیرند، برخی از مردم نیز از سر استیصال به اعتیاد پناه می‌برند که چرخه تباهی را صدچندان به عمق می‌برد.

به گفته یک شاهد، در شهر اهواز حدود ۳۵۰۰ زن تن‌فروشی می‌کنند. به گفته یک پژوهشگر اجتماعی که رئیس سابق کمیسیون زنان فرمانداری اهواز و مدیر یک مرکز کاهش آسیب زنان در اهواز است، تن‌فروشی که زنان خوزستان درگیر آنند، آسیبی چندبعدی است. بر اساس بررسی‌هایی که او انجام داده، این زنان گرفتار باندهای قاچاق بدن، قاچاق انسان و موادمخدر شده‌اند و افزایش تعداد آنها، تعداد بچه‌های بدون شناسنامه را هم بیشتر کرده است.

به گفته این پژوهشگر «از سال ۹۷ به بعد، بیکاری‌های ناشی از بی‌آبی و فقر و تورم، خانواده‌ها را گرفتار کرده. ما در خوزستان می‌بینیم وقتی در خانواده‌ای نتوانند زندگی افراد را تأمین کنند، اولین کسی را که از خانه بیرون می‌کنند دختران خانواده هستند و این دختران گرفتار انواع آسیب‌ها می‌شوند. شاید باورتان نشود، من دختر هفده‌ساله‌ای را در مرکز ما داشتم که تابستان‌ها برای اینکه دو ساعت بتواند با کولر گازی خنک شود، تن‌فروشی می‌کرد.»^{۱۱}

بی‌آبی، مسبب مشکلات روحی و روانی

اما تبعات بی‌آبی تنها بر سلامت فیزیکی زنان و کودکان نمایان نمی‌شود بلکه تاثیر مخرب زیادی نیز بر سلامتی روانی آنها می‌گذارد. یک روانشناس می‌گوید: «کم‌آبی و خشکسالی ارتباط مستقیمی با چالش‌های روانی در استان‌های مختلف ما دارد. فقر و دورافتادن از توسعه شهری و روستایی مردم را از داشتن زندگی عادی ناامید کرده است. اعتماد به نفس این افراد اغلب دچار آسیب و ضعف شده است و هیچ آموزش و حمایتی برای آنها در کار نیست.»



در این میان آسیب‌پذیری زنان روستایی بیشتر از مردان است؛ محدودیت‌هایی که توسط حکومت آخوندی نهادینه شده است، زنان را منزوی کرده و امکان ایجاد ارتباط با دیگران و معاشرت و داشتن زندگی معنادار را از آنها گرفته است.

این روان‌شناس می‌افزاید: «کم‌آبی علاوه بر مشکلات روحی و عصبی، برای این مردم احساس ناامنی هم به دنبال دارد.»^{۱۲} از طرف دیگر زنان با وجود کلیشه‌های جنسیتی حاکم بر خانواده، استرس‌های بیشتری را در شرایط کم‌آبی تحمل می‌کنند. زنان مسئولیت‌هایی نظیر زایمان، شیر دادن و مراقبت از نوزاد یا نگهداری از کودکان و سالمندان و تهیه غذا را بر عهده دارند که در شرایط بی‌آبی استرس زیادی برای آنها ایجاد می‌کند.^{۱۳}

تغییرات اقلیمی و افزایش خشونت علیه زنان

سلسله‌بلاهایی که رژیم آخوندی بر مردم ایران تحمیل کرده است از همه طرف بر سر زنان آوار می‌شود. یک کارشناس با تکیه بر تحقیقاتی هم‌که در دو استان بوشهر و فارس انجام شده است فاش ساخت: «با تشدید خشکسالی‌ها، فرآیند گرم شدن زمین، ناپدید شدن تالابها، افت سطح آب زیرزمینی با پدیده‌ای به نام تشدید خشونت علیه زنان هم روبه‌رو هستیم.» وی اذعان می‌کند که «زنان در زندگی، فشارها، سختیها و دشواریهایی دارند اما همچنان در جامعه از تنگناهای بیشتری هم رنج می‌برند و دچار تبعیضهای جنسیتی فاحشی هستند.»^{۱۴}

در برآیند بحران آب در خوزستان شاهد افزایش قتل‌های ناموسی و قتل زنان هستیم. به گفته یک فعال اجتماعی عرب؛ عادت‌هایی که در جامعه عرب رو به تغییر بود، به دلیل شرایط اقتصادی و اقلیمی و فقر روند عکس داشته و خشونت علیه زنان مانند جرایم «ناموسی» در خوزستان به طور محسوسی شدت گرفته است. در نتیجه بحران آب، در سه سال گذشته کودک‌همسری، زن‌کشی و خشونت علیه زنان در خوزستان افزایش معناداری داشته است. یک منبع آگاه در اداره ثبت احوال اهواز گفته، روزانه یک تا سه ازدواج زیر پانزده سال ثبت می‌شود.



با وجود همه این پیامدها، در برنامه‌های ملی سازگاری با کم‌آبی هیچ برنامه ویژه‌ای برای زنان وجود ندارد.^{۱۵}

از سال ۱۳۹۸ تا تابستان ۱۴۰۰، دست کم ۶۰ زن در خوزستان به بهانه‌های ناموسی کشته شده‌اند. قتل‌هایی که فعالین اجتماعی توانسته‌اند به ثبت برسانند اهل شهرهای مختلف جنوب کشور مانند شوش، اهواز، آبادان، کارون و ... بوده‌اند. زنان کشته‌شده دختران یازده و پانزده ساله را هم شامل می‌شوند.^{۱۶}

رژیم آخوندی نمی خواهد آسیب های ناشی از تغییرات اقلیمی بر زنان را کاهش دهد

رژیم نامشروع آخوندی بدون اغراق از فلاکت مردم در جهت طولانی تر کردن عمر خودش استفاده میکند!

سیاست های ضد مردمی مانند ممنوعیت ورود واکسن و فرستادن مردم به قتلگاه کرونا، و همچنین رها کردن مردم مصیبت دیده در مکافات سیل و زلزله که بعد از سالیان طولانی هنوز در کانکس و چادر زندگی می کنند، نمونه هایی است که بلا استثناء در همه بلایای طبیعی توسط این رژیم تکرار می شود. اما در مورد زنان و دختران، ماهیت ارتجاعی و زن ستیز حکومت آخوندی شدیداً عمل می کند. این رژیم با هیچکدام از اهداف SDG های ۱۷ گانه سازمان ملل همخوانی نداشته و دقیقاً در جهت عکس توانمندسازی زنان و دختران قدم بر می دارد. این ماهیت زن ستیز که در همه قوانین رژیم نهادینه شده است بر سرکوب همه جانبه و حذف بیشتر زنان و دختران ایران از همه پهنه های اجتماعی و اقتصادی نمود پیدا می کند.

چنین رژیمی در زمینه تغییرات اقلیمی هم کمترین توجهی به آثار و تبعات این پدیده بر زنان ایران و به خصوص بر زنان سرپرست خانواده، زنان خانه دار، زنان کشاورز و روستایی و... ندارد. زنانی که در اثر سیل و زلزله یا مهاجرت در اثر تغییرات اقلیمی به حاشیه شهرها رانده می شوند در سلسله ای از مصیبت ها رها می شوند تا عملاً توان سر بلند کردن و تاثیر گذار بودن در جامعه را نداشته باشند. درست برعکس تلاش برای توانمندسازی زنان و دختران، با گسیل کردن گشت های ارشاد یا نیروهای انتظامی اقدام به دستگیری زنان معترض نموده و یا با خراب کردن خانه های محقری که حاشیه نشینان با هزار مصیبت موفق می شوند برای خود بسازند اعمال قدرت می کند.

اینگونه است که این رژیم نه تنها در زمینه کاستن از ضایعات تغییرات اقلیمی کاری نکرده و نمی خواهد انجام دهد، بلکه خودش تسریع کننده چالش های اقلیمی مثل خشکسالی و بلایای طبیعی حاصل از آن مانند رانش زمین و سیل و زلزله است.

بخش های مختلف این حکومت از جمله بخش های کشاورزی، صنعت، انرژی، نفت و...، هر یک بدون توجه به هزینه ها و خسارت های احتمالی و آثار پیامدهای ناشی از فعالیت های خود، برای به دست آوردن سود بیشتر کوشیده اند. تعدد نهادها و سازمان های مختلف در زمینه تصمیم گیری و مدیریت سرزمین و همپوشانی و تداخل وظایف دستگاه های متعدد در این زمینه باعث شده تا سیاست ها و برنامه های نظام مندی در این زمینه در کشور وجود نداشته باشد و امکان نظارتی هم در این عرصه ها باقی نگذاشته است.^{۱۷}



پاورقی ها

1. سایت حکومتی دیدار به نقل از جامعه ۲۴، ۹ مرداد ۱۴۰۰
2. خبرگزاری حکومتی مهر، ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۰
3. ناهید عبدالهیان، سایت حکومتی شهروند، ۶ شهریور ۱۴۰۰
4. ناهید عبدالهیان، سایت حکومتی شهروند، ۶ شهریور ۱۴۰۰
5. سایت حکومتی باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۹ فروردین ۱۳۹۶
6. سایت حکومتی دانا، ۱۹ دی ۱۳۹۵
7. سایت حکومتی دانا، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۶
8. سایت حکومتی شهروند، ۶ شهریور ۱۴۰۰
9. سایت حکومتی دیدار به نقل از جامعه ۲۴، ۹ مرداد ۱۴۰۰
10. نشریه زنان روستایی و عشایری به نقل از روزنامه اعتماد، شماره ۴۱۴۹ به تاریخ ۱۰/۵/۹۷، صفحه ۱۳ (جامعه)
11. سایت ما زنان، ۱۹ بهمن ۱۴۰۰
12. سایت حکومتی شهروند، ۶ شهریور ۱۴۰۰
13. سایت حکومتی جامعه ۲۴، ۹ مرداد ۱۴۰۰
14. محمد درویش، دبیر سیاست محیط زیست ایران، خبرگزاری حکومتی برنا، ۱۲ اسفند ۱۳۹۷
15. سایت حکومتی خبر آنلاین، ۱۲ دی ۱۴۰۰
16. سایت حکومتی خبر آنلاین، ۱۲ دی ۱۴۰۰
17. خبرگزاری رسمی ایرنا، ۲ آذر ۱۴۰۰
18. بی بی سی فارسی، ۲۰ بهمن ۱۳۹۲
19. رادیو فردا، ۲۱ آذر ۱۴۰۰
20. ویکی پدیا، آخرین ویرایش: ۷ فوریه ۲۰۲۲
21. خبرگزاری رسمی ایرنا، ۲ آذر ۱۴۰۰؛ خبرگزاری حکومتی تسنیم، ۲۷ آذر ۱۴۰۰

عیسی کلانتری، وزیر سابق کشاورزی ایران گفته است که روند کنونی بحران آب در ایران، کشور را در آستانه مواجهه با خطری به مراتب بزرگتر از حمله نظامی خارجی قرار داده است. در حالیکه بررسی سرمایه گذاری های صنعتی ایران در دو دهه اخیر نشان دهنده حجم عظیم سرمایه گذاری در صنعت هسته ای است. صرفه اقتصادی برنامه هسته ای ایران در کنار آثار زیست-محیطی آن در بعد ملی به ندرت بررسی شده است. بانک جهانی در سال ۱۳۸۶ حداقل هزینه تخریب محیط زیست در ایران را ۱۰ میلیارد دلار در سال برابر با ۸۸ درصد تولید ناخالص ملی کشور بود. در حالی که هزینه تخریب محیط زیست حتی در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نیز نسبت هزینه تخریب محیط زیست به تولید ناخالص تا یک سوم کمتر از ایران بوده است.^{۱۸}

این رژیم همه انرژی و امکانات خود را صرف بقای حکومت نامشروع خود می کند. در بودجه بندی سال ۱۴۰۱ مجددا شاهد افزایش جدی بودجه سپاه پاسداران هستیم، ارگانی که مشخصا مسئول بقای حکومت است. بودجه این سپاه که سال گذشته با ۵۸ درصد افزایش از ۲۴ هزار و ۳۳۵ میلیارد تومان به ۳۸ هزار و ۵۶۴ میلیارد تومان رسیده بود، بر اساس آن چه در فایل لایحه بودجه ۱۴۰۱ ذکر شده، به ۹۳ هزار میلیارد تومان رسیده است که با این حساب بیش از ۲۰۴ برابر افزایش نشان می دهد.

در این لایحه چهار میلیارد و پانصد میلیون یورو نیز به تقویت بنیه دفاعی و تحقیقات راهبردی دفاعی شامل صنعت موشکی رژیم تخصیص یافته است.^{۱۹}

ناتوانمندی سازی زنان در ایران

رژیم ملایان در رابطه با توانمندسازی زنان در جهت عکس حرکت می کند. این حقیقتی است که کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران طی سالیان مکرراً بر آن تأکید کرده است. و متأسفانه واقعیت های روی زمین شواهدی بر خلاف آن ارائه نمی کنند. امسال نیز هیچ عملکرد مثبتی در زمینه توانمندسازی زنان در ایران برای گزارش کردن به کمیسیون مقام زنان ملل متحد وجود ندارد.

در ایران از ترویج حفاظت و احترام به حقوق انسانی و آزادیهای بنیادین زنان از جمله حق توسعه که همگانی، لایتجزا، وابسته به هم و در ارتباط با هم قرار دارند، همچنین تضمین برخورداری هر فرد از حق مشارکت و معاضدت، برخورداری از توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، و توجه برابر و مبرم به ترویج و حمایت و تحقق کامل حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد اثری نیست.^۱

روشن است که فقر با توسعه اقتصادی در تضاد است و از این رو برای توسعه اقتصادی کاهش فقر ضروری است. واقعیت اما این است که در نتیجه سیاست های ضد مردمی رژیم ایران، بی تدبیری و سوءمدیریت، و غارت و فساد سیستماتیک در دستگاه حکومتی، مردم ایران به طور عام طی سالیان هر چه فقیرتر و طبقه متوسط به کلی ناپدید شده است. کارشناسان متفق القول هستند که چهره فقر در ایران زنانه است.

علاوه بر بحران کرونا که اقتصاد جهانی را تحت الشعاع قرار داده است، سیاست های غلط رژیم که منجر به تحریم های بین المللی شده، بیکاری و رکود اقتصادی در ایران را تشدید کرده و هیچ چشم اندازی برای برون رفت از این وضعیت وجود ندارد.

با ناپدید شدن طبقه متوسط، اقتصاد نمی تواند در ریل توسعه قرار گیرد و تبعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بسیاری نیز در جامعه داشته و خواهد داشت. بنا به اعتراف وزارت تعاون، کار و رفاه رژیم، وضعیت اقتصادی در ایران در اسفبارترین وضعیت خود در ۸ دهه گذشته قرار گرفته است.^۲ سال گذشته، وقتی گزارش توانمندسازی زنان را برای کمیسیون مقام زنان تهیه می کردیم، خط فقر در ایران ۱۰ میلیون تومان در ماه بود.^۳



سرعت گسترش فقر در ایران:



کارشناسان متفق القول هستند که چهره فقر در ایران زنانه است.

در ابتدای سال ۱۴۰۰ خط فقر به ۱۲ میلیون تومان افزایش یافت و در تابستان به ۱۴ میلیون تومان رسید. ظرف ۴ ماه قیمت مسکن و کالاهای اساسی در ایران بین ۱۰ تا ۱۵ درصد افزایش داشت و منجر به بالا رفتن خط فقر شد.^۴ بر اساس آمار رسمی، جمعیت زیر خط فقر مطلق که از سال ۹۲ تا ۹۶ به ۱۵ درصد رسیده بود، در فاصله سال های ۹۶ تا ۹۸ به ۳۰ درصد افزایش یافت و دو برابر شد.^۵ وزارت تعاون، کار و رفاه برای اولین بار یک گزارش رسمی از خط فقر منتشر کرد. در این گزارش آمده است که در سال ۱۳۹۹ به نسبت سال ۱۳۹۸ خط فقر ۳۸ درصد رشد داشته است. به این ترتیب ۳۶ میلیون ایرانی در زیر خط فقر زندگی می کنند.^۶ این آمار مربوط به سال ۱۳۹۹ است که تورم در آن ۳۶٫۴ درصد گزارش شده بود. نکته قابل توجه اینکه در سال ۱۴۰۰، نرخ تورم در تیرماه از ۴۴ درصد گذشته بود. بنابر همین منبع، از هر سه نفر ایرانی یک نفر در زیر خط فقر زندگی می کند.

شیوع سوء تغذیه

بنابر این گزارش، «مهمترین عامل افزایش خط فقر در سال ۹۹ تورم بالا در دو بخش خوراکی و مسکن بوده است»^۷ به دلیل افزایش تورم در بخش خوراکی، مردم دیگر امنیت غذایی ندارند و نمی توانند کالری استاندارد مورد نیاز خود را تأمین کنند. بنابه یک گزارش در مرداد ۱۴۰۰، به نسبت سال قبل اقلامی مانند حبوبات بیش از ۵۰ درصد، برنج حدود ۴۲ درصد، ماکارونی بیش از ۲۰ درصد و نان بیش از ۵۰ درصد افزایش قیمت داشته است و به این

دلیل از سبد تغذیه خانواده ها حذف شده اند.^۸ یک مقام حکومتی در تلویزیون رژیم گفت «حدود ۴۰ میلیون نفر از جمعیت کشور نیاز به کمک فوری و آنی دارند»^۹ شرایط به گونه ای است که خانواده ها نمی توانند حتی یک نان و تخم مرغ در سفره خودشان داشته باشند.^{۱۰}

ظهور پدیده جدیدی به نام «جوی گردی» حاکی از این است که برخی از مردم و به طور خاص زنان کارتن خواب و معتاد برای به دست آوردن روزی خود سر در سطل زباله و یا در جوی های شهر می کنند.^{۱۱} بنا به اعلام وزارت تعاون، کار و رفاه رژیم در سال گذشته ۲٫۴ میلیون نفر از مردم ایران یا ۶۱۲ هزار خانواده به واسطه هزینه های بالای درمانی به زیر خط فقر رفته اند.^{۱۲} شیوع کرونا صف زنان سرپرست خانوار نیازمند برای دریافت مستمری را نیز متراکم تر کرده است.^{۱۳} مقامات بهزیستی رژیم اذعان داشته اند که حداقل ۵۱ هزار کودک در دوره پاندمی پدر یا مادر خود را از دست داده اند.^{۱۴}



سوء تغذیه در ایران به سرعت شایع می شود

حدود ۴۰ میلیون نفر از جمعیت کشور نیاز به کمک فوری و آنی دارند

قیمت اقلامی مانند حبوبات

برنج

ماکارونی و

نان

به ترتیب افزایشی بیش از

۵۰، ۴۲، ۲۰ و ۵۰ درصد داشته و به همین دلیل

از سبد تغذیه خانواده ها حذف شده اند.



اقدامات رژیم ایران در رابطه با زنان طی سال اخیر

در حالی که فقر در جامعه بیداد می کند، چهره فقر زنانه شده و زنان و کودکان برای به دست آوردن قوت لایموت سر در سطل زباله می کنند، مجلس رژیم و سایر ارگان های آن در پی طرح هایی هستند که فرصت های شغلی و منابع درآمد زنان را هر چه محدودتر کرده و آنها را هر چه بیشتر به حاشیه می راند.

با روی کار آمدن انسیه خزعلی^{۱۵} به عنوان معاونت امور زنان و خانواده در دولت رئیسی، حتی همان شعر و شعارها و نمایشات قبلی در حوزه زنان نیز به طور کامل خاموش شد. خزعلی هیچ برنامه اجرایی و عملیاتی خاصی در حوزه زنان ندارد.^{۱۶}

علاوه بر این، خزعلی در اولین نشست خبری خود از دورکاری زنان دفاع کرد و گفت «دورکاری زنان هم به نفع دولت و هم به نفع خودشان است.» در نقطه مقابل، برخی از کارشناسان و فعالان به درستی معتقدند «اجرای هر طرحی در راستای دورکاری اجباری زنان می تواند نوعی تفکیک جنسیتی تلقی شود.»^{۱۷} دورکاری زنان آنها را بیش از پیش به کنج خانه ها می راند و موجب دوری آنها از فعالیت های اجتماعی می شود.

طی سال گذشته، نمایندگان مجلس به جای این که به مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم پردازند طرح هایی را به تصویب رسانند که حتی اندک روزنه های موجود برای کسب و کار زنان را می بندد و حقوق آنها را بیش از پیش ضایع می کند.^{۱۸}

از جمله طرح های تصویب شده، «طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی» بود که در تاریخ ۶ مرداد ۱۴۰۰ در یک جلسه غیرعلنی مجلس تصویب شد. این طرح با محدود کردن دسترسی آزاد به اینترنت، حق کاربران محیط های اجتماعی اینستاگرام و واتس آپ را نقض می کند.^{۱۹}

«طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی» که به صورت ناگهانی، غیرشفاف و پنهانی در مجلس به تصویب رسید ضربه جبران ناپذیری به کسب و کارهای خرد و غیررسمی زنان ایران می زند و گروه های کارآفرین که در قالب تعاونی ها، صندوق های خرد کشاورزی شهری و روستایی فعالیت می کنند و یا زنان همیار سرپرست خانوار را می تواند از پای در آورد.^{۲۰}

چرا که به دلیل سیاست های تبعیض آمیز رژیم آخوندی علیه استخدام زنان، بخش بزرگی از زنان و زنان سرپرست خانوار از منزل و روی اینترنت فعالیت می کنند. تعداد این دسته از خوداشتغالان بعد از همه گیری ویروس کرونا بیشتر هم شده است.

یکی دیگر از طرح هایی که بر ضد حقوق زنان در مجلس رژیم به تصویب رسید طرح جوانی جمعیت بود. روز ۲۶ اسفند ۱۳۹۹، «طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده» با رأی موافق در صحن علنی مجلس به تصویب رسید. تنها طی یک ماه، کمیسیون های مربوط به بررسی این طرح ۱۹ جلسه در این خصوص برگزار کردند.^{۲۱}

مقایسه کنید با طرح جلوگیری از خشونت علیه زنان که هنوز بعد از ۱۰ سال به تصویب مجلس رژیم نرسیده است.^{۲۲}

طرح موسوم به جوانی جمعیت با وعده های اقتصادی، از جمله تخصیص وام به زوج های جوان و تأمین بخش اعظم هزینه های ناباروری، نقض حقوق زنان را به جامعه تحمیل می کند.

بندهای این طرح که از این پس به عنوان قانون اجرا خواهند شد، سقط جنین و غربالگری را به صورت جدی محدود کرده اند. حق باروری یا حق انتخاب آزادانه برای داشتن فرزند، تعیین تعداد فرزندان، فاصله تولد فرزندان و برخورداری از اطلاعات و استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری و بهداشت جنسی که در اسناد حقوق بشر سازمان ملل به رسمیت شناخته شده، در این طرح نادیده گرفته شده است.^{۲۳}

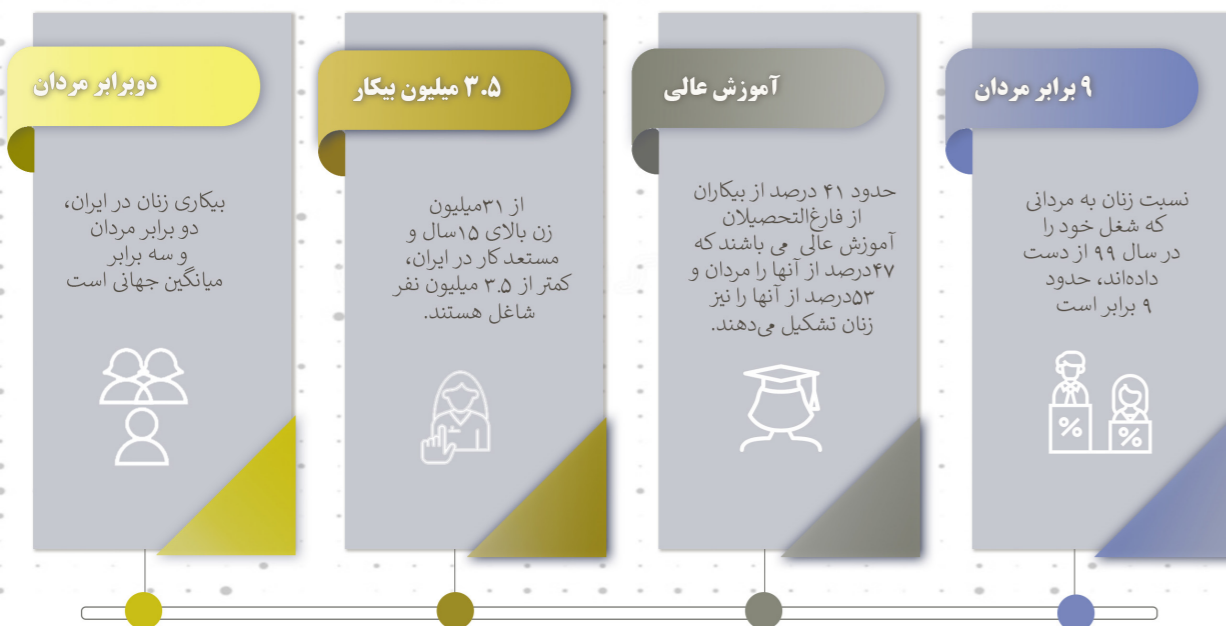
کارشناسان حقوق بشر ملل متحد اعلام کردند که این طرح افزایش جمعیت، «نقض صریح قوانین بین المللی» است.

کارشناسان حقوق بشر از رژیم ایران خواستار لغو قانون جدید شدند که «دسترسی به سقط جنین، پیشگیری از بارداری، خدمات عقیم سازی داوطلبانه، و اطلاعات مربوط به آن را به شدت محدود می کند و بر اساس قوانین بین المللی نقض مستقیم حقوق بشر زنان می باشد.»^{۲۴}

همچنین سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح از مرداد ماه ۱۳۹۹ اقدام به کاهش سهم دختران از حقوق بازنشستگی پدران متوفی کرده است. بعضی از این زنان می گویند که مستمری پدرشان یک سوم شده و همین موضوع زندگی شان را سخت تر کرده است.^{۲۵}



شکاف جنسیتی و تبعیض علیه زنان



بیکار سازی زنان رو در روی توانمند سازی

۱.۷ درصد شغل خود را در سال ۱۳۹۹ از دست دادند. اما از ۴ میلیون و ۳۲۰ هزار زن شاغل سال ۱۳۹۸، حدود ۱۵.۳ درصد از آنان در سال ۱۳۹۹ شغل خود را از دست دادند. این بدین معنی است که نسبت زنان به مردانی که شغل خود را در سال ۹۹ از دست داده اند، حدود ۹ برابر است.^{۲۰}

بنابر همین گزارش، طی ۱۵ سال در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۹ به رغم افزایش چشمگیر ورود زنان به دوره‌های تحصیلات عالی، تنها ۳۰۰ هزار شاغل جدید به تعداد شاغلان زن کشور افزوده شده است و از کل بیکاران زن، ۷۱ درصد از آنان را زنان با مدرک دانشگاهی تشکیل می دهند.

در چنین شرایطی شواهد حکایت از آن دارند که در دریافت وام و دیعه مسکن نیز تبعیض‌ها علیه زنان برقرار بوده است. در خرداد ۱۴۰۰، بندی به شرایط دریافت وام اجاره و دیعه اضافه شد که زنان بالای ۳۵ سال که «خودسرپرست» هستند به مفهوم اینکه با خانواده زندگی نمی کنند، می توانند از تسهیلات اجاره استفاده کنند. اما اکنون گزارش‌ها نشان می دهد، زنان «خودسرپرست» متقاضی وام و دیعه مسکن حتی با وجود شرایط برابر با مردان، از این تسهیلات حداقلی محروم شدند.^{۲۱}

باید خاطر نشان ساخت که زنان سرپرست خانوار حدود ۴۵ درصد کم درآمدترین دهک جامعه ایران را تشکیل می دهند.^{۲۲}

کمیسیون مقام زن در جمع‌بندی اجلاس ۶۱ تأکید می کند که دستیابی به برابری در سال ۲۰۳۰ مستلزم وارد کردن کامل زنان به اقتصاد رسمی از جمله از طریق مشارکت مؤثر و فرصت‌های برابر برای رهبری در همه سطوح تصمیم‌گیری سیاسی، اقتصادی و زندگی عمومی است. در ایران اما، شکاف جنسیتی غول‌آساست و زنان به فرصت‌های برابر دسترسی ندارند. گزارش جهانی شکاف جنسیتی سال ۲۰۲۱ مجمع جهانی اقتصاد روز ۳۱ مارس منتشر شد. بنا بر این گزارش، ایران تحت حاکمیت رژیم ملایان با اندیکس ۰.۵۸۲ در رده ۱۵۰ قرار دارد.

حقوق زنان در هیچ حوزه‌ای و از جمله حوزه اقتصادی تأمین نمی شود و رژیم حاکم توجهی به ضرورت بهبود اشتغال به طور عام و به ویژه برای زنان ندارد. از ۳۱ میلیون زن بالای ۱۵ سال و مستعد کار در ایران، شمار شاغلان زن در زمستان ۱۳۹۹ به کمتر از ۳.۵ میلیون رسید که کمترین میزان طی ۵ سال گذشته است.^{۲۳}

در فاصله زمستان ۹۸ تا تابستان ۹۹، بعد از شیوع کرونا در ایران، بیش از یک میلیون زن شغل خود را از دست دادند. این رقم بالغ بر ۷۰ درصد کل کسانی است که در این دوره شغل خود را از دست دادند.^{۲۴}

زنان ایرانی با یک بازار کار مردانه مواجه هستند که موانع قانونی و ساختاری بسیاری در مقابل اشتغال آنها قرار می دهد.

بنا به گزارش جهانی شکاف جنسیتی سال ۲۰۲۱ میانگین نرخ مشارکت در کشورهای گروه خاورمیانه و شمال آفریقا ۳۱ درصد می باشد. هر چند که سهم زنان ایران حتی در مقایسه با کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا بسیار پایین است، اما واقعیت سهم زنان در بازار کار بسیار کمتر از این میزان هم هست چون آماري که از سوی رژیم ایران به طور رسمی اعلام می شود مهندسی شده است.

مطابق آمار منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری زنان ۱۸ تا ۳۵ ساله که در بهار ۱۴۰۰ معادل ۲۷.۸ درصد بود، در تابستان به ۳۱ درصد رسید. مقایسه کنید با نرخ بیکاری مردان ۱۸ تا ۳۵ ساله که در بهار ۱۴۰۰ معادل ۱۲.۹ درصد بوده و در تابستان به ۱۴.۶ درصد رسید.^{۲۵} حدود ۴۱ درصد از بیکاران کل کشور در گروه فارغ التحصیلان آموزش عالی طبقه بندی شده‌اند که ۴۷ درصد از آنها را مردان و ۵۳ درصد از آنها را نیز زنان تشکیل می دهند.^{۲۶}

بنا به گزارش معاونت زنان و خانواده رژیم، بیکاری زنان در ایران، دو برابر مردان و سه برابر میانگین جهانی است. بنابر این گزارش، طی سال ۱۳۹۹، بیش از ۱۵ درصد از زنان شاغل، شغل خود را از دست دادند، در حالی که این میزان برای مردان ۱.۷ درصد بوده است. از ۲۰ میلیون مرد شاغل در سال ۱۳۹۸ حدود

معیشت مشقت بار اقشار مختلف زنان شاغل

معلمین

افزایش پیدا کند. اما حقوق کارمندان دولت طی سه سال گذشته ۲۵، ۱۵ و ۱۰ درصد و در مجموع ۵۰ درصد افزایش داشته است، در حالی که نرخ تورم چندصد درصد افزایش داشته است.^{۳۵} خط فقر ۱۴ میلیون تومان در ماه است اما حقوق معلمین رسمی به طور متوسط ۳ میلیون تومان و بیش از ۳ برابر زیر خط فقر است.^{۳۶} این وضعیت معلمینی است که به طور رسمی در استخدام دولت هستند. حال اینکه شغل ۹۷ درصد از زنان و مردان در ایران موقتی است و معلمین از این قاعده مستثنی نیستند.^{۳۷} معلمین حق التدریسی و معلمین نهضت سوادآموزی و سایر معلمانی که طبق انواع قراردادهای موقتی کار می کنند، حقوق شان حداکثر ۲ میلیون تومان است.

بیش از ۵۰ درصد از معلمین ایران زن هستند. اکثر معلمین نهضت سوادآموزی زنان سرپرست خانوار هستند که سال ها تحت سخت ترین شرایط و در دورافتاده ترین مناطق کشور به امر تعلیم و تربیت اشتغال داشته اند و با هزاران سختی کار سوادآموزی را دنبال کرده اند.^{۳۳} معلمین طی سال گذشته بیش از ۶۰۰ حرکت اعتراضی شامل دهها تحصن و تظاهرات سراسری برگزار کردند، چرا که ۹۹ درصد از معلمین ایران زیر خط فقر زندگی می کنند.^{۳۴} طبق ماده ۱۲۵ قانون خدمات کشوری، حقوق کارمندان دولت از جمله معلمان باید هر سال بر اساس نرخ تورم

معلمین طی سه سال گذشته بیش از ۶۰۰ حرکت اعتراضی برگزار کردند.



پرستاران

حتی معوقات آنها به موقع پرداخت نمی شود. دریافتی یک ماه آنها هم بر اساس قانون نیست. به طور مثال اگر کارانه یک پرستار ۸۰۰ تومان است به جای هر ماه ۸۰۰ تومان، ماهی ۵۰ تا ۱۰۰ تومان با آنها حساب کرده اند. پرستاران در میان اقشار معترض جامعه هستند. آنها به محرومیت از حق امنیت شغلی و نابرابری حقوق و مزایا اعتراض دارند.

در برخی موارد پرستاران شاغل را بدون تسویه حساب مالی و پرداخت حقوق مابه ازاء کار انجام شده از کار اخراج می کنند.^{۳۸}

بسیاری از پرستاران و پرسنل بیمارستان مدت ها حقوق مزایا دریافت نمی کنند.

بسیاری از پرستاران زن به دلیل فشارهای بیش از اندازه، دوری از فرزندان و خانواده و استرس های ناشی از آن قراردادهای خود را لغو کردند.

حقوق کم و ساعات کار طاقت فرسا، از عوامل مهاجرت پرستاران هستند.

آمار مهاجرت پرستاران نسبت به گذشته، ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش داشته است.^{۳۹}

از اصلی ترین دلایل مهاجرت پرستاران عدم دریافت به موقع و دقیق پاداش کرونا، بی تدبیری در زمینه حفظ منابع انسانی و عدم جذب نیروهای ۸۹ روزه است.^{۴۰}

بیش از ۸۰ درصد پرستاران در ایران زن هستند. از حدود ۱۴۵ هزار پرستار مشغول در بالین بیماران، ۱۳۶ هزار نفر به کرونا مبتلا شدند و حدود ۱۴۰ نفر جان خود را از دست دادند.^{۳۸}

وضعیت استاندارد جهانی ۴ پرستار به ازای یک تخت است. اما در برخی از استانها و شهرستانها گزارشاتی منتشر شده مبنی بر اینکه ۲۵ بیمار را یک پرستار مدیریت می کند.^{۳۹}

حقوق یک پرستار در ایران در بهترین شکل ۵ میلیون تومان است. در حالی که ساعات کار پرستاران به طور متوسط بین ۱۰ الی ۱۲ ساعت است و گاه به ۲۰ ساعت هم می رسد.^{۴۰}

رژیم ایران برای احتراز از پرداخت حقوق کامل به پرستاران، از استخدام رسمی پرستاران خودداری می کند. بیشتر پرستاران ایران با قراردادهای موقت ۸۹ روزه به کار مشغول هستند. در این قراردادهای، حقوق ماهانه پرستاران بین ۲ تا ۴ میلیون تومان کمتر از حداقل حقوق رسمی است، از مزایا و کارانه و بیمه محروم هستند و امنیت شغلی نیز ندارند.^{۴۱} با این حال، همین حقوق کم هم به طور مرتب به پرستاران پرداخت نمی شود.

حقوق کارگران بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان در روز است و در روزهای تعطیل هم حقوقی به آنها تعلق نمی‌گیرد. کارگران مجبورند از ساعت ۷ صبح تا غروب کار کنند و با وجود ساعات کار طولانی، از عهده امرار معاش خود و خانواده‌هایشان بر نمی‌آیند. هزینه ایاب و ذهاب نیز بر عهده خود کارگران است که با توجه به دوری شهر از کارخانه، خود بار سنگینی بر دوش آن‌هاست.

یک زن کارگر که در یک کارگاه آجرپزی کار می‌کند، گفت: «در منطقه ما کار نیست. مجبور شدم اینجا کار کنم. خودم الان دیسک کم گرفته‌ام. ما ۶ ماه از سال را در خوابگاه‌های کارگاه اقامت داریم. آنجا از داشتن آب شرب سالم، حمام و سرویس بهداشتی تمیز محروم هستیم و این امر باعث بیماری کودکان ما شده است.»^{۴۱}

قانون کار برای زنان کارگر به اجرا گذاشته نمی‌شود. ممنوعیت اشتغال زنان در مشاغل سخت و زیان‌آور، عدم حضور در شیفت‌های کار شبانه و عدم حمل بارهای سنگین از جمله قوانینی است که نادیده گرفته می‌شوند. در یک حادثه دلخراش در نیمه آبان ۱۴۰۰ مرزیه طاهریان کارگر زن نساجی به دلیل گیر کردن سرش در دستگاه رینگ ریسندگی در یک کارخانه نساجی در سمنان جان سپرد. مرزیه یک روز پیش از این حادثه دلخراش از مشکلاتش در مورد مشقت‌های شب کاری شکایت داشت.

یک کارگر زن در این باره گفت «هفته‌ای یک بار باید شیفت شب بمانیم، اما جرأت نمی‌کنیم حرفی بزنیم.»^{۴۲}

آماري که در ابتدای بهار ۱۴۰۰ از سوی مقامات حکومتی منتشر شد حاکی بود که ماهانه ۵۰۰ پرستار به دلیل حقوق پایین در ایران کشور را ترک می‌کنند.^{۴۳} این مهاجرت طی «یک الی یک سال و نیم گذشته رخ داده» و دلایل آن «شرایط کرونا، مسائل معیشتی و مشکلات اقتصادی» بوده است.^{۴۴}

زنان کارگر

حداقل ۳ میلیون زن در ایران کارگر زیرزمینی هستند.^{۴۷} زنان کارگر آسیب پذیرترین بخش بازار کار ایران هستند و در صورت وقوع هرگونه بحران اقتصادی در صف نخست تعدیل نیرو قرار می‌گیرند. یک میلیون نفر از این زنان در ۹ ماه اول شروع بحران کرونا از کار بیکار شدند. وضعیت زنان کارگر در ایران قابل مقایسه با سایر اقشار نیست. آنها با حقوق ناچیز بدون برخورداری از هیچ مزایا و حق بیمه در شرایط برده وار کار می‌کنند. حدود ۸۰ درصد شاغلان بدون بیمه زنان هستند.^{۴۸}

هیچ ارگانی بر کار کارگران زیرزمینی نظارت ندارد. اکثریت آنها ۷۰۰ یا ۸۰۰ هزار تومان در ماه دستمزد دارند که از حداقل دستمزد تعیین شده بر اساس قانون کار رژیم کمتر است.^{۴۹} این حقوق حتی یک دهم زندگی‌شان را تأمین نمی‌کند. آنها اگر روزی کار نکنند دیگر چیزی برای خوردن ندارند.

در مناطق کردنشین زنان برای تأمین معاش خود و خانواده مجبور به انجام کارهایی مانند کولبری و کاریگری ساختمان هستند. کولبری زنان در استان‌های مرزی کردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاه به امری عادی تبدیل شده است.^{۵۰}

زنان سرپرست خانوار حتی در سنین بالا مجبورند به خاطر تأمین هزینه‌های ابتدایی خانواده خود رنج مضاعف کولبری را به جان بخرند. حتی تحصیل کرده‌ها نیز بدلیل نبود شغل، وادار به کولبری می‌شوند. این جا هم زنان به دلیل توان جسمی پایین‌تر، پول کمتری دریافت می‌کنند. یکی دیگر از کارهای طاقت فرسایی که زنان مجبورند برای امرار معاش به آن تن بدهند، کار در کوره پزخانه‌ها است. زنان کارگر بدون هیچ قرارداد و تنها بر اساس توافق در این اماکن بدون استاندارد ایمنی به کار می‌پردازند.





زنان سرپرست خانوار

مقامات رژیم در تبلیغات رسانه ای ادعا می کنند که حدود ۱۳ دستگاه متولی امور زنان سرپرست خانوار هستند و هر یک وظایفی در این زمینه به عهده دارند. در عمل اما، زنان سرپرست خانوار بدون کوچکترین حمایت اجتماعی رها شده اند. یک نمونه از این کمک ها، اعطای سبد غذایی ۱۰۰ هزار تومانی برای رفع سوء تغذیه مادران شیرده می باشد. این کمک هزینه ناچیز با توجه به قیمت ها و تورم موجود تأثیری در وضعیت زنان سرپرست خانوار ندارد. نمونه دیگر، مبالغ بسیار ناچیز مستمری است (۷۰۰ هزار تومان) که ارگان های حکومتی همچون کمیته امداد و سازمان بهزیستی به زنان سرپرست خانوار می دهند که به هیچ وجه جوابگوی هزینه های زندگی آنان نیست.^{۵۹} این در حالی است که اکثریت زنان سرپرست خانوار مستأجر هستند و باید اجاره خانه هم پردازند. این تبعیض در استخدام و اشتغال زنان در ایران، فشار مضاعف بر زنان سرپرست خانوار وارد می کند که ناگزیر از تأمین هزینه های خانواده خود هستند. به این ترتیب، اغلب زنان سرپرست خانوار مجبور به انجام کارهایی مانند دستفروشی، کولبری، نظافت خانه ها، ... هستند که شغل محسوب نمی شوند.

از ۵ میلیون زن سرپرست خانوار در ایران،^{۶۰} تنها ۱.۳ میلیون نفر از خدمات ناچیز حمایتی برخوردار می شوند در حالی که «همگی در نداشتن درآمد مشترک هستند. تعداد این زنان روز به روز در حال افزایش است و اشتغالزایی برای این زنان پایدار نیست.»^{۶۱} سالانه ۱۲۰ هزار خانوار به قشر زنان سرپرست خانوار اضافه می شود.^{۶۲} بسیاری از زنان سرپرست خانوار حقوق ثابت دولتی ندارند و بیش از نیمی از آنها کم سواد و بی سواد هستند.^{۶۳} یک سوم از زنان سرپرست خانوار باسواد نیز تحصیلات ابتدایی دارند.^{۶۴} طبق آمار رسمی که تنها درصدی از واقعیت را منعکس می کنند، ۵۲ درصد از این ۵ میلیون زن سرپرست خانوار فاقد بیمه و مستمری هستند و ۳۸ درصد از آنها جزو ۳ دهک پایین جامعه محسوب می شوند. به گفته محمد باقر قالیباف، رئیس مجلس ملایان، این ۵ میلیون زن سرپرست خانوار در شرایط سخت اقتصادی قرار دارند!^{۶۵}

آنها در اثر انجام این مشاغل سخت و زیان آور که پاسخگوی هزینه های گذران زندگی شان نیست، با آسیب های جسمی بسیاری دست و پنجه نرم می کنند و دچار فرسودگی و پیری زودرس می شوند. بنا بر یک گزارش منتشر شده حداقل ۳۰۶۵۹ زن سرپرست خانوار بیماری صعب‌العلاج دارند.^{۶۰} یک گزارش دیگر فاش می سازد که ۷۸۱۸ نفر از زنان سرپرست خانوار دچار معلولیت هستند.^{۶۱} در این شرایط فاجعه بار، فرزندان زنان سرپرست خانوار نیز ناچارند برای کمک به معاش خانواده و کسب درآمد کار کنند و به جمع کودکان کار پیوندند. این وضعیت در استان های محروم ضریب می خورد. به طور مثال، سیستان و بلوچستان با بیش از ۲۰ درصد، یعنی ۹۳ هزار زن سرپرست خانوار، بیشترین آمار زنان سرپرست خانوار را به خود اختصاص داده است. اما با توجه به اینکه این استان در میان ۴ استان نخست ایران در زمینه کودک همسری است، هر ساله بسیاری از دختران زیر ۲۰ سال به آمار زنان سرپرست خانوار اضافه می شوند.^{۶۲}

بسیاری از زنان سرپرست خانوار ساکن روستاها یا سکونت گاههای غیررسمی (حاشیه شهرها) به دلیل فقدان تحصیلات دانشگاهی، مهارت های زندگی و همچنین شغل مناسب از امنیت مالی بی بهره هستند و در تأمین اصلی ترین مایحتاج زندگی خانواده شان ناتوانند. کار خانگی جزو پایین ترین رده های شغلی است و معمولاً هم با کمترین حقوق و مزایا نصیب زنان می شود. این مشاغل توأم با نادیده گرفتن حقوق اساسی (کار اجباری، شرایط سخت کار مانند ساعت طولانی کار، حمل و جابه جایی وسایل سنگین در منزل، امور نظافتی سخت مانند نظافت روزانه ۷۰۰ پله)، نادیده گرفتن حقوق بقاء (درآمد ناکافی)، نادیده گرفتن حقوق امنیت (اخراج خودسرانه) و نادیده گرفتن حقوق مدنی (آزادی بیان، گفتگوی اجتماعی) کارگران خانگی است.^{۶۳} متأسفانه در سایه سیاست های مخرب و ضد مردمی رژیم فاسد و چپاولگر حاکم که ویژگی برجسته آن زن ستیزی است، آسیب های اجتماعی ناشی از فقر هرچه بیشتر در جامعه ایران گسترش یافته است.

از سوی دیگر، رژیم به تخریب خانه های خانوارهای مستمند که در حاشیه شهرها و مناطق فقیرنشین ساخته اند می پردازد و زنان سرپرست خانوار را بی خانمان می کند. به دو نمونه از دهها مورد ذیلاً اشاره می شود. یک زن سرپرست خانوار در منطقه قاسم آباد زاهدان بعد از تخریب خانه اش مورد ضرب و شتم قرار گرفت. هاجر در پاسخ به این پرسش که آیا در این باره به شهرداری مراجعه کرده است یا خیر گفت: تنها نان آور خانواده پسر ۲۰ ساله ام هستم. همسرم بیکار است. چطوری تا آنجا برویم؟ کرایه رفتن به شهرداری زاهدان ۲۰ تا ۳۰ هزار تومان است و ما نداریم. نمی توانیم امتیاز برق خریداری کنیم. حتی مدرسه هم نزدیکی خانه مان نیست که بچه هایم را به مدرسه بفرستم.^{۶۴} همچنین یک زن مسن بلوچ در جریان تخریب خانه اش توسط نیروهای شهرداری و نیروی انتظامی در زاهدان به بهانه ساخت و ساز غیرقانونی، دچار سکت قلبی شد.^{۶۵}

از ۵ میلیون زن سرپرست خانوار در ایران، تنها ۱.۳ میلیون نفر از خدمات ناچیز حمایتی برخوردار می شوند.

سالانه ۱۲۰ هزار خانوار به قشر زنان سرپرست خانوار اضافه می شود.



بحران مسکن و تأثیرات آن بر زندگی زنان

آمار ارائه شده حکومتی که با واقعیت های موجود فاصله زیادی دارید، حاکی است که سبد معیشت که شامل حداقل های زندگی است به ۹ میلیون و ۱۲۰ هزار تومان رسیده است. مقایسه کنید با حداقل دستمزد که با احتساب تمام مزایای مزدی حدود ۴ میلیون تومان می شود. این ۴ میلیون تومان حتی به پرداخت هزینه اجاره خانه و حمل و نقل ماهانه خانوار هم نمی رسد.^{۶۶} جمعیت اجاره نشین در ایران طی بیش از سه دهه گذشته، بیش از ۳ برابر شده است.

در سال ۱۴۰۰ با جمعیتی که به ۸۳ میلیون نفر رسیده است، جمعیت خانوارهای اجاره نشین ۴۰ درصد تخمین زده می شود.^{۶۷} مدت زمان صاحب خانه شدن در ایران برای یک زوج به طور میانگین حدود ۳۳ سال و برای یک زوج در تهران دو برابر این مدت است.^{۶۸} کارشناسان حکومتی در آبان ۹۸ اظهار داشتند که ۴۰ درصد خانوارها در تهران زیر خط فقر مسکن هستند. این آمار اکنون به ۷۰ درصد افزایش یافته است.^{۶۹} همزمان با تورم و گرانی در بخش مسکن و افزایش اجاره بها، میزان حاشیه نشینی در ایران به ۴۵ درصد رسیده است. با این حساب، به نسبت جمعیت ۸۵ میلیون نفری ایران، امروز بیش از ۳۸ میلیون نفر حاشیه نشین و بدمسکن هستند.

افزایش معنادار حاشیه نشینی در ایران به دلیل سیاست های غلط و مشکلات اقتصادی است.^{۷۰}

بخش قابل توجهی از حاشیه نشین ها، زنان سرپرست خانوار هستند که توان پرداخت اجاره خانه ندارند و یا به این دلیل بی خانمان شده اند و به حاشیه نشینی روی آورده اند.

حاشیه نشینی به شکل حلی آباد ابتدا در تهران، تبریز، اصفهان و سایر شهرهای صنعتی شکل گرفت و در حال حاضر در ارومیه، بوکان، پیرانشهر، مهاباد، میاندوآب، سردشت، خوی، کرج و زاهدان نیز مناطق حاشیه نشین شکل گرفته است. آذربایجان غربی با آمار تقریباً ۶۰۰ هزار نفر حاشیه نشین یکی از استان های پیشتاز سکونت گاه های غیررسمی است.^{۷۱}

گسترش فقر و مشکلات اقتصادی، بی تدبیری و سوءمدیریت، و فساد و چپاولگری رژیم ملایان سبب شده خانواده های بیشتری هر آنچه دارند را از دست بدهند و سرگردان کوچه و خیابان های شهر بشوند. یکی از مدیران مرکز کاهش آسیب وضعیت خانواده ها را این گونه توصیف می کند: «در این مدت خانواده های زیادی داشتیم که بی سرپناه شده اند. دلیل بی سرپناه شدن آنها در اغلب موارد فقر مالی و موارد مرتبط با فقر مانند



بیکاری است.» به گفته وی در این مراکز نگهداری مجبور می شوند زن و فرزند را از پدر جدا کنند.^{۷۲} اما اگر فرزند پسر ۱۷-۱۶ ساله باشد، دیگر نه می شود او را در مراکز زنان نگهداری کرد و چون کمتر از ۱۸ سال است، به مراکز مردان راه داد. مراکز بهزیستی نیز مادر و دختر را می پذیرد اما مادر و پسر بچه را از هم جدا می کند. یک گزارش دیگر حاکی است، ۴۰ درصد زنانی که به گرمخانه ها مراجعه می کنند معتاد نیستند بلکه فقط به علت بی سرپناهی به آنجا مراجعه می کنند.^{۷۳} باید در نظر داشت که این آمار مربوط به تنها ۴ گرمخانه زنان از کل ۲۰ گرمخانه در تهران است. در نتیجه ابعاد گسترده فقر مسکن و فقدان حمایت و خدمات اجتماعی برای این گونه خانواده ها، ایران شاهد شکل گیری پدیده های جدیدی بوده است. از جمله ۷ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر که در حاشیه گورستان ها زندگی می کنند.^{۷۴}



ISNA PHOTO

یک مادر و فرزندش شب را در یک اتوبوس در حال حرکت سپری می کنند

آسیب های اجتماعی، پدیده های ناشی از گسترش فقر در ایران

کمیسیون مقام زن در جمع بندی اجلاس ۶۱ خود از استمرار زنانه شدن فقر ابراز نگرانی نموده و تأکید کرد که امحاء فقر در همه اشکال و ابعاد آن از جمله فقر مفرط، یک الزام لاینفک توسعه پایدار است. کمیسیون به تأثیر متقابل دستیابی به برابری جنسی و توانمندسازی همه زنان و دختران و امحاء فقر، و ضرورت تضمین استاندارد قابل قبول زندگی برای زنان و دختران در تمام طول عمرشان از جمله از طریق سیستم های حمایت اجتماعی اذعان نمود.

در نقطه مقابل چنین هدفی، گسترش فقر و زنانه شدن فقر در ایران تبعات گسترده ای در جامعه به همراه داشته است. از متوسل شدن به مشاغل کاذب همچون دستفروشی، تا شغل های مضر و زیان آور همچون کولبری و گردآوری زباله، تا بی خانمانی و کارتن خوابی و اتوبوس خوابی و گورخوابی، تا فروش اعضای بدن، تا گسترش انواع آسیب های اجتماعی از جمله سرراه گذاشتن و فروش نوزاد، فروش کودک، تن فروشی، اعتیاد، خودکشی و ...

کارتن خوابی زنان و دختران نیز به یک سوژه خبرساز روزنامه های حکومتی تبدیل شده است.

سن کارتن خوابی زنان و دختران به ۱۵ سال رسیده است.^{۷۵} تعداد دختران کارتن خواب ۱۷-۱۶ و ۱۸ ساله به حدی رسیده که حتی رسانه ها درباره آن می نویسند.^{۷۶} و از سوی دیگر، زنان کارتن خواب بالای ۶۰ ساله در سطح شهر تهران وجود دارند.^{۷۷}

یکی از سایت های حکومتی از حضور ۲۷۰۰ زن بی خانمان تنها در شهر اهواز، پایتخت استان نفت خیز خوزستان خبر داد.^{۷۸}

کارتن خوابی زنان و دختران ایرانی آن ها را به هدف اول انواع خطرات تبدیل می کند. اعتیاد، تعرض و سایر بلاها و آسیب های اجتماعی برای آن ها تقریباً غیرقابل اجتناب می شود اما خطرات جانی هم در کمین هستند.

در دیماه ۱۳۹۹، یک زن ۴۵ ساله بی خانمان در کرمان که به دلیل فقدان گرمخانه، به اجبار به یکی از کوره های آهک پزی پناه برده بود، بر اثر آتش سوزی جان خود را از دست داد.^{۷۹}

در همان ماه، سر یک دختر کارتن خواب ۱۵ ساله در سیرجان از تن جدا شد. کارگران شهرداری سیرجان، در حین تخلیه یک مخزن زباله متوجه یک پلاستیک سنگین با ظاهری غیرطبیعی شدند که حاوی سربریده دختری نوجوان بود.^{۸۰}

رژیم ملایان نه تنها راه حلی برای کارتن خوابی زنان و دختران ندارد بلکه با سیاست های چپاولگرانه خود، هر روز به شمار آنها می افزاید. هفته ای نیست که فیلم خراب کردن وحشیانه خانه های مردم در سراسر کشور و آواره کردن زنان و کودکان در رسانه های اجتماعی پخش نشود.

علاوه بر حاشیه نشینی و کارتن خوابی، پدیده های نوظهوری مثل گورخوابی، پشت بام خوابی، گودال خوابی، ماشین خوابی و اتوبوس خوابی در پایتخت و سایر شهرها، زنگ خطر بحران مسکن را به صدا در آورده اند.

زمستان امسال یکی از رسانه های حکومتی تصاویری منتشر کرد که نشان می داد مردان و زنان و کودکانی که استطاعت پرداخت کرایه اتاقی در مسافرخانه را ندارند، شبهای سرد زمستان را در اتوبوس ها به صبح می رسانند.^{۸۱}

آنها برای اینکه بتوانند چند ساعت را در محلی گرم بخوابند سوار اتوبوس هایی می شوند که باید ایستگاه به ایستگاه جا عوض کنند. در میان این مسافران زنانی هم هستند که با کودکان خود برای خوابیدن سوار اتوبوس می شوند.

فروش نوزاد و اجاره رحم

خرید و فروش نوزاد نیز از پدیده‌هایی است که در اثر فقر در ایران بازار داغی دارد. هزینه‌های بالای درمان ناباروری و بوروکراسی فاسد در سازمان بهزیستی که روند واگذاری فرزند را طولانی می‌کند نیز به این پدیده دامن می‌زنند. پای دلالان خرید و فروش نوزاد به شبکه‌های اجتماعی نیز باز شده است. در یک مورد معاون دادستان مشهد از دستگیری ۶ متهم خبر داد که به خرید و فروش ۲۵ نوزاد اعتراف کرده بودند.^{۸۲}

قبلاً اجاره رحم در ایران مرسوم نبود اما امروز در اثر گسترش فقر، می‌توان زنان اجاره دهنده را در بیشتر استان‌های کشور پیدا کرد. این زنان بیشتر کسانی هستند که نیاز شدید مالی دارند. بهای رحم اجاره‌ای نسبت به دو سال گذشته که نزدیک به ۲۰ میلیون تومان بود افزایش چهاربرابری داشته و به ۸۰ میلیون رسیده است.^{۸۳}

کودکان کار

بیش از هفت میلیون کودک کار در ایران وجود دارد.^{۸۴} تعدادی که در پایتخت و در معابر کار می‌کنند در مقابل تعداد کودکان در کارگاه‌ها و کارخانه‌های شهرستان‌ها کم است.^{۸۵}

اغلب این کودکان یا خانواده خود را از دست داده‌اند یا خانواده‌شان در زندان هستند. برخی نیز پدران‌شان دچار اعتیاد هستند یا نتوانسته‌اند برای خود شغل پیدا کنند.

در حالی که بر اساس قوانین بین‌المللی کار کودکان ممنوع است، یک سوم از ۱۴ هزار زباله‌گرد در سطح شهر تهران، کودک هستند.^{۸۶} کودکان زباله‌گرد روزانه ۲ هزار میلیارد برای مافیای زباله درآمد دارند و شهرداری تهران روزانه ۲۰۰ میلیارد تومان از این بابت سود می‌برد.^{۸۷}

در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰ یک دختر بچه که در یک نانوائی در دره شهر استان ایلام مشغول کار بود زیر دستگاه نانوائی گیر کرد و از ناحیه گردن و نخاع به شدت آسیب دید. به دلیل عدم وجود زیرساخت‌های مناسب برای انتقال موارد اورژانس به بیمارستان یا مراکز درمانی این دختر بچه کار ۱۳ ساله با تأخیر بسیار به یک مرکز درمانی منتقل شد. هیچ کدام از رسانه‌های حکومتی سرنوشت این دختر بچه را گزارش نکردند.^{۸۸}

تن فروشی

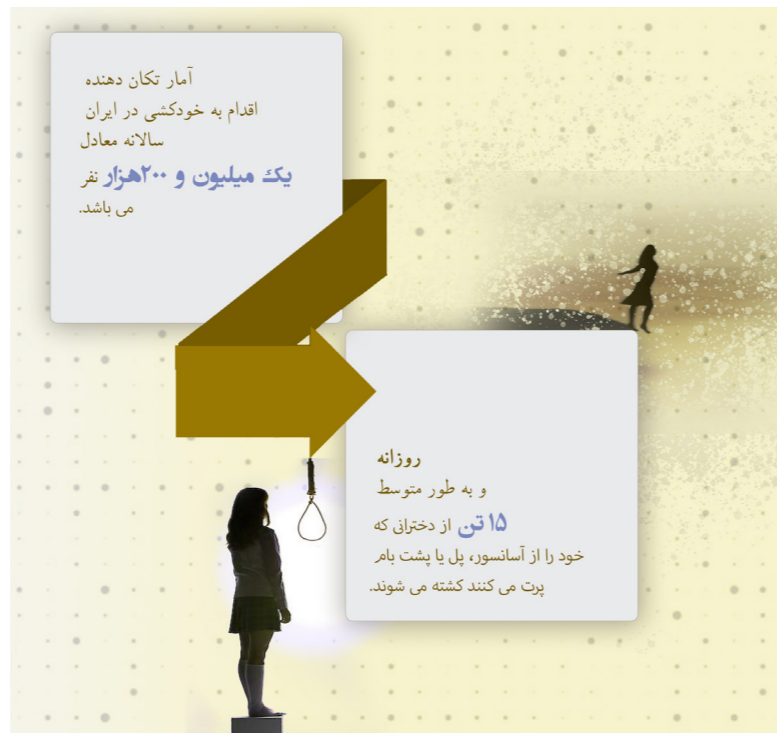
تن فروشی یکی از پیامدهای مستقیم فقر است. با گسترش فقر و در سایه تبعیض در استخدام و اشتغال زنان و دختران و ناتوانمندی‌های آنها، این پدیده در ایران گسترش زیادی پیدا کرده است.

طی سال‌های اخیر، شبکه‌های تن فروشی تحت امکانات فضای آنلاین گسترش پیدا کرده است. شبکه‌هایی که به ظاهر غیرقانونی هستند اما با بهره‌کشی از کارگران جنسی ارزان قیمت و به کارگیری تسهیلات فضای مجازی و پیام رسان‌ها، وسعت زیادی پیدا کرده‌اند.^{۸۹}

در سال ۱۳۹۶، آمار کارگران جنسی در جنوب شهر تهران حدود ۱۰ هزار تن تخمین زده شد.^{۹۰} در سال ۱۳۹۸، کارشناسان آسیب‌های اجتماعی از وجود ۸ هزار باند تن فروشی در سطح شهر تهران خبر دادند. بنا به این گزارشات، در مدت ۷ سال متوسط سن تن فروشی از ۲۸ سال به ۲۰ سال رسیده. و در حال حاضر کف این سن تا ۱۳ سالگی پایین آمده است. یعنی در میان نوجوانان به طور روزافزونی گسترش یافته است. و به خاطر بحران اقتصادی، زنان متأهل هم مجبور به این کار شدند.^{۹۱}

تغییرات اقلیمی در ایران

حکومت آخوندی، عامل اصلی و زنان قربانیان نخست



خودکشی

معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی از فوت سالانه ۴۱ هزار نفر به دلیل خودکشی در ایران خبر داد. وی افزود: «ممکن است بسیاری به خاطر اقدام به خودکشی به بیمارستان بروند که اصلاً ثبت نمی‌شود.»^{۹۲}

این آمار مربوط به افرادی است که در پی اقدام به خودکشی جان خود را از دست می‌دهند. معمولاً اگر تعداد خودکشی‌های منجر به مرگ را ضربدر ۳۰ بکنیم آمار کل اقدام به خودکشی به دست می‌آید. بر اساس این ارقام، آمار تکان دهنده اقدام به خودکشی در ایران سالانه معادل یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر است. آمار خودکشی‌های نافرجام معمولاً چندان بازتاب پیدا نمی‌کند و آمارها بیشتر از آن چیزی است که به صورت رسمی اعلام می‌شود.^{۹۳}

وجود «هفت میلیون شاغل بدون امنیت شغلی و بیکار» و «پایین آمدن آستانه تحمل» مردم باعث شده که افراد بیشتری در ناامیدی مطلق از زندگی دست به خودکشی بزنند.^{۹۴}

ظرف چند سال گذشته روند خودکشی در ایران صعودی بوده و هر سال ۴ الی ۵ درصد افزایش داشته است. در یک سال اخیر خودکشی در سنین زیر ۱۸ و بالای ۶۰ سال افزایش داشته است.^{۹۵}

روزانه و به طور متوسط ۱۵ تن از دخترانی که خودشان را از آسانسور، پل یا پشت بام پرت می‌کنند کشته می‌شوند. بیشتر خودکشی‌ها مربوط به سنین بین ۱۲ تا ۱۸ سال است. تعداد دخترانی که خودکشی می‌کنند از پسرها بیشتر است.^{۹۶}

این خودکشی‌ها بیشتر به دلیل فقر اقتصادی و نابسامانی‌های اجتماعی صورت می‌گیرد.

یک نمونه تکان‌دهنده از خودکشی‌های ناشی از فقر، خودکشی زن جوانی بود که به دلیل فقر نتوانسته بودند لوازم التحریر برای بچه‌هایش بخرد. شوهر این زن کارگر شهرداری با ۱۵ سال سابقه کار است که ۵ ماه است حقوق نگرفته بود. روز ۳۱ شهریور ۱۴۰۰ وی به دنبال درگیری با شوهرش خود را به آتش کشید و جان سپرد. وی دو پسر و یک دختر دارد.^{۹۷}

طبق آمار رسمی حدود ۱۱ رزیدنت در سال ۱۴۰۰ جان‌شان را از دست داده‌اند.^{۹۸}

رزیدنت‌ها همان دستیاران پزشکی هستند که در بیمارستان‌های ایران اکثراً تحت نظارت دانشگاه‌های علوم پزشکی مشغول به کار می‌باشند. مشکلات روحی و جسمی این پزشکان جوان بر اثر کمبود شدید نیرو، فشار کار بالا، کار کردن در شیفت‌های پیاپی و بی‌خوابی‌های چند روزه، قراردادهای ۸۹ روزه، حقوق ناچیز ۲ میلیون تومانی و نداشتن بیمه، عدم پرداخت مطالبات حداقلی، دوری از خانواده و فرزند، هجوم مردم به بیمارستان‌ها و مرگ بیماران تشدید می‌شود.^{۹۹}

امان‌الله قرایی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه، در مورد افزایش خودکشی‌ها در ایران یکی از اصلی‌ترین دلایل خودکشی در جامعه را بی‌اعتمادی مردم به مسئولان خواند و گفت: «آب و هوای جامعه مساعد می‌شود که خودکشی صورت می‌گیرد. از در و دیوار کشور غم می‌بارد. از لباس و پوشاک و موسیقی که پخش می‌کنند. مشکلاتی که در جامعه هست یکی دو تا نیست. بیکاری، سی درصد فارغ‌التحصیلان کشور بیکارند. افراد در رشته‌های خودشان کار نمی‌کنند. شادی و امید در جامعه وجود ندارد.»^{۱۰۰}

پاورقی ها

1. جمع‌بندی اجلاس ۶۱ کمیسیون مقام زن در نیویورک در رابطه با توانمندسازی زنان در دنیای متحول کار - ۱۳ تا ۲۴ مارس ۲۰۱۷
2. سایت حکومتی سلامت نیوز، ۳ شهریور ۱۴۰۰
3. خط فقر ۱۰ میلیون تومان شد، سایت حکومتی تابناک، ۴ مهر ۱۳۹۹
4. محمدرضا محبوب فر، کارشناس آسیب‌های اجتماعی، خبرگزاری حکومتی رکنا، ۳ مرداد ۱۴۰۰
5. روزبه کردونی، رییس موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی، رادیو، ۱۳ خرداد ۱۴۰۰
6. سایت حکومتی سلامت نیوز، ۳۱ مرداد ۱۴۰۰
7. سایت حکومتی سلامت نیوز، ۳۱ مرداد ۱۴۰۰
8. رئیس انجمن تغذیه، سایت حکومتی تجارت نیوز، ۳۱ شهریور ۱۴۰۰
9. حمیدرضا حاجی بابایی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، خبرگزاری حکومتی فارس، اول آبان ۱۴۰۰
10. معین‌الدین سعیدی، عضو کمیسیون کشاورزی مجلس، ۱۶ مهر ۱۴۰۰
11. سپیده علیزاده، مدیرعامل موسسه کاهش آسیب نور سپید هدایت، خبرگزاری حکومتی رکنا، ۱۴ مهر ۱۴۰۰
12. سایت حکومتی انتخاب - ۱ شهریور ۱۴۰۰
13. سایت حکومتی سلامت نیوز، ۲۷ شهریور ۱۴۰۰
14. حبیب‌الله مسعودی فرید، سایت حکومتی سلامت نیوز، ۲۷ شهریور ۱۴۰۰
15. انسیه خزعلی منافع زن ستیزترین جناح داخل رژیم را نمایندگی می‌کند. وی که تحصیلکرده حوزه علمیه قم می‌باشد، دارای رابطه خویشاوندی با خانواده خمینی و لاجوردی و از رئیسی خانه هدیه گرفته است. وی مروج ازدواج‌های زود هنگام و فرزندآوری زیاد برای خانواده‌ها است. برای آشنایی بیشتر با انسیه خزعلی می‌توانید به مطلب «انسیه خزعلی رئیس معاونت زنان و خانواده دولت سیزدهم حکومت آخوندی کیست؟» مراجعه کنید.
16. روزنامه حکومتی جمله، ۴ آبان ۱۴۰۰
17. زهرا بهرام نژاد، فعال حقوق زنان، خبرگزاری حکومتی رکنا، ۳۱ شهریور ۱۴۰۰
18. روزنامه حکومتی آفتاب یزد، ۴ دی ۱۴۰۰
19. طرح مسدودسازی اینترنت و نابودی کسب و کار زنان سرپرست خانوار، مقالات، سایت کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران، ۱۶ مرداد ۱۴۰۰
20. طیبه سیاوشی، نماینده سابق مجلس، خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۱۰ مرداد ۱۴۰۰
21. سایت حکومتی صاحب نیوز، ۱۷ آذر ۱۳۹۹
22. بن بست لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت در حکومت زن ستیز ملایان، مقالات، سایت کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران، ۱۳ بهمن ۱۳۹۹
23. طرح جوانی جمعیت تلاش جدید رژیم آخوندی برای به حاشیه راندن زنان، مقالات، سایت کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران، ۲۳ آبان ۱۴۰۰
24. <https://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=27817&LangID=E>
25. روزنامه حکومتی آفتاب یزد، ۲۵ آذر ۱۴۰۰
26. تلگرام سلامت نیوز، فروردین ۱۴۰۰
27. فصلنامه مرکز آمار ایران، روزنامه حکومتی آرمان ملی، ۱۱ بهمن ۱۳۹۹
28. خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۱۱ آبان ۱۴۰۰
29. روزنامه حکومتی جهان صنعت، ۲۷ مهر ۱۴۰۰
30. سایت معاونت زنان و خانواده رژیم، ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰
31. روزنامه حکومتی شرق، ۱۰ مهر ۱۴۰۰
32. سایت معاونت زنان و خانواده رژیم - ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰
33. خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۰
34. سایت حکومتی سلامت نیوز، ۶ مهر ۱۴۰۰
35. سایت حکومتی سلامت نیوز، ۶ مهر ۱۴۰۰
36. روزنامه حکومتی مستقل، ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۰
37. خبرگزاری حکومتی رکنا، ۷ مرداد ۱۴۰۰
38. محمد میرزا بیگی، رئیس کل سازمان نظام پرستاری، روزنامه حکومتی جهان صنعت، ۲۰ شهریور ۱۴۰۰
39. محمد شریفی مقدم، دبیر کل خانه پرستاری، روزنامه حکومتی خراسان - ۲۵ شهریور ۱۴۰۰
40. روزنامه حکومتی آرمان ملی، ۲۳ مهر ۱۳۹۹
41. خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۱۵ دی ماه ۹۹
42. خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۱۳ دی ماه ۱۳۹۹
43. محمد شریفی مقدم دبیر کل خانه پرستار، روزنامه حکومتی آرمان ملی، ۵ بهمن ۱۴۰۰
44. آرمین زارعیان، رئیس هیأت مدیره نظام پرستاری تهران، روزنامه حکومتی آرمان ملی، ۵ بهمن ۱۴۰۰
45. آرمین زارعیان، خبرگزاری حکومتی دانشجو، ۲۲ فروردین ۱۴۰۰

پاورقی ها

46. حمیدرضا عزیزی، دبیر شورای عالی نظام پرستاری ایران، خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۲۸ فروردین ۱۴۰۰
47. خبرگزاری حکومتی رکنا، ۱۰ مرداد ۱۴۰۰
48. گزارش سازمان پژوهش تأمین اجتماعی در سال ۱۳۹۶
49. خبرگزاری حکومتی رکنا، ۱۰ مرداد ۱۴۰۰
50. سایت حکومتی عصر ایران، ۲ بهمن ۱۳۹۸
51. خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۲۳ فروردین ۱۴۰۰
52. روزنامه حکومتی شهرآرا، ۲۱ آذر ۱۴۰۰
53. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس ملایان، سایت حکومتی عصر ایران، ۵ بهمن ۱۴۰۰
54. فاطمه قاسمی پور عضو کمیسیون اجتماعی مجلس رژیم، خبرگزاری حکومتی مهر، ۲۷ تیر ۱۴۰۰
55. مسعودی فرید، سازمان بهزیستی، خبرگزاری حکومتی مهر، ۲۷ تیر ۱۴۰۰
56. خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۱۸ مرداد ۱۴۰۰
57. خبرگزاری حکومتی رکنا، ۲۹ شهریور ۱۴۰۰
58. سایت حکومتی عصر ایران، ۵ بهمن ۱۴۰۰
59. سایت حکومتی سلامت نیوز، ۱۲ بهمن ۱۴۰۰
60. خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۱۸ مرداد ۱۴۰۰
61. خبرگزاری حکومتی رکنا، ۲۹ شهریور ۱۴۰۰
62. زهرا ابراهیمی، مدیر کل دفتر امور زنان و خانواده استانداری سیستان و بلوچستان، روزنامه حکومتی مستقل، ۱۴ دی ۱۴۰۰
63. روزنامه حکومتی رسالت، ۲۱ دی ۱۴۰۰
64. روزنامه حکومتی آرمان، اول مهر ۱۴۰۰
65. سایت مجاهد، ۳۱ شهریور ۱۴۰۰
66. خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۲۴ خرداد ۱۴۰۰
67. سایت حکومتی جهان نیوز، ۱۲ خرداد ۱۴۰۰
68. ابوالفضل نوروزی، مصاحبه با تلویزیون حکومتی، سایت حکومتی انتخاب، ۲ آبان ۱۴۰۰
69. کاوه حاج علی اکبری، مدیرعامل نوسازی شهر تهران، سایت حکومتی انتخاب، ۲ آبان ۱۴۰۰
70. محمدرضا محبوب فر، کارشناس آسیب‌های اجتماعی و عضو انجمن آمایش سرزمین ایران، سایت حکومتی انتخاب، ۲ آبان ۱۴۰۰
71. خبرگزاری رسمی ایرنا، ۱۷ مرداد ۱۳۹۷
72. سپیده علیزاده، مدیر مرکز کاهش آسیب «نور سپید هدایت» واقع در پارک شوش، خبرآنلاین، ۵ دی ۱۴۰۰
73. مالک حسینی، مدیر عامل سازمان رفاه، خدمات و مشارکت اجتماعی شهرداری تهران، روزنامه حکومتی جمهوری، ۱۳ اسفند ۹۹
74. محمدرضا محبوب فر در خبرگزاری حکومتی برنا، ۴ خرداد ۱۳۹۹
75. خبرگزاری حکومتی رکنا، ۱۶ خرداد ۱۴۰۰
76. خبرگزاری حکومتی رکنا، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۹
77. ندا ماندنی، مدیر مرکز توانمندسازی زنان کارتن خواب در تهران، خبرگزاری حکومتی رکنا، ۱۶ خرداد ۱۴۰۰
78. سایت حکومتی شهروند آنلاین، ۲۶ بهمن ۱۴۰۰
79. خبرگزاری حکومتی رکنا، ۳۰ دی ۱۳۹۹
80. خبرگزاری حکومتی رکنا، ۸ دی ۱۳۹۹
81. خبرگزاری حکومتی انتخاب، ۱۲ دی ۱۴۰۰
82. سایت حکومتی فرارو، ۲۵ آذر ۱۴۰۰
83. روزنامه حکومتی صبح امروز، ۱۵ آذر ۱۴۰۰
84. خبرگزاری حکومتی برنا، ۱۳ مرداد ۱۳۹۷
85. مصطفی اقلیما، رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی، روزنامه حکومتی آفتاب، ۱۵ آذر ۱۴۰۰
86. خبرگزاری حکومتی رکنا، ۱۴ خرداد ۱۴۰۰
87. خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۲۲ شهریور ۱۳۹۹
88. خبرگزاری حکومتی فارس، ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰
89. سایت حکومتی سلامت نیوز، ۲۴ فروردین ۱۴۰۰
90. سایت حکومتی آفتاب، ۱۲ مهر ۱۳۹۶
91. سایت حکومتی رویداد، ۷ آبان ۱۳۹۸
92. حبیب‌الله مسعودی فرید، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی، سایت حکومتی خبرآنلاین، ۳۰ تیر ۱۴۰۰
93. خبرگزاری حکومتی ایلنا، ۱۹ خرداد ۱۳۹۹
94. حبیب‌الله مسعودی فرید، معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی، سایت حکومتی خبرآنلاین، ۳۰ تیر ۱۴۰۰
95. تقی رستم ونندی، معاون وزیر کشور و رئیس سازمان امور اجتماعی، خبرگزاری حکومتی مهر، ۱۹ بهمن ۱۳۹۹
96. روزنامه حکومتی جهان صنعت، ۱۲ مهر ۱۴۰۰
97. روزنامه حکومتی ایران، اول مهر ۱۴۰۰
98. خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۱۲ آبان ۱۴۰۰
99. روزنامه حکومتی آرمان ملی، ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰
100. امان‌الله قرایی، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه، مصاحبه با ماهنامه خط صلح، خبرگزاری هرانا، ۲۷ اسفند ۱۳۹۹

**تغییرات اقلیمی در ایران
زنان قربانیان نخست
حکومت آخوندی،
عامل اصلی**



مارس ۲۰۲۲

**کمیسیون زنان
شورای ملی مقاومت ایران**